

تجدید رابطه امریکا و عراق

در جریان جنگ تحمیلی

هادی نخعی

اشاره: در ادامه روندی که از سری جدید فصلنامه برای معرفی کتابهای تألیف شده درباره جنگ تحمیلی آغاز کرده‌ایم، در این شماره به معرفی جلد سی و سوم روزشمار جنگ ایران و عراق با عنوان "تجدید رابطه امریکا و عراق در جریان جنگ تحمیلی" می‌پردازیم. نویسنده این کتاب آقای هادی نخعی از رویان جنگ هستند ایشان از جمله نویسندگان و محققین حوزه مطالعات جنگ ایران و عراق هستند که برای ماندگار ساختن تاریخ جنگ و آگاهی نسلهای آینده از عظمت حماسه‌ای که در این دوره ۸ ساله وجود داشت زحمات بی دریغی را متحمل شده‌اند.

به جز این جلد از سری مجموعه روزشمار جنگ ایران و عراق ایشان عهده دار تألیف و نظارت چند جلد دیگر از کتابهای روزشمار و نیز کتابهای موضوعی مربوط به جنگ ایران و عراق بوده‌اند.

کتاب حاضر مقطع زمانی ۳۱ شهریور تا ۶ آذر ۱۳۶۲ را شامل می‌شود. به این ترتیب خواننده، مجموعه مستندی از مهم‌ترین حوادث و مسائل سیاسی، نظامی و اقتصادی جنگ در مقطع مذکور را پیش روی دارد؛ از جمله: پیامدها و بازتاب‌های انفجار سفارت امریکا در بیروت که روز ۲۹ شهریور ۱۳۶۲ به وقوع پیوست، اقدامات وسیع تبلیغاتی و سیاسی ایران در آستانه ورود به پنجمین سال تجاوز عراق تحت عنوان "هفته جنگ" (شروع جنگ در ۱۳۶۳/۶/۳۱) و تجدید رابطه سیاسی فی مابین امریکا و عراق پس از ۱۷ سال قطع رابطه (پایان کتاب در ۱۳۶۳/۹/۵). به موضوعات دیگری نیز در این کتاب، در قالب روزشمار جنگ، پرداخته شده است که عبارتند از: تصمیم‌گیری و انجام امور مقدماتی مربوط به عملیات بزرگ آتی و بازگشت مجدد به هور به عنوان یک راهکار مناسب با توان خودی، طراحی و انجام عملیات در میمک، چگونگی تسلیحات و تدارک و تجهیز نظامی طرفین که از دو وضعیت کاملاً متفاوت و حتی متضاد درباره دو طرف حکایت می‌کند، تداوم جنگ کشتی‌ها و حملات هوایی عراق به مراکز اقتصادی و دیگر مراکز غیرنظامی ایران، اوضاع داخلی عراق و ارتش این کشور، روابط خارجی ایران و عراق از جمله نزدیک شدن عراق به محور قاهره-امان و از سوی دیگر تداوم مواضع و اقدامات ضداسرائیلی ایران، ادامه فشارهای پذیرش صلح بدون تحقق خواسته‌های ایران و نیز مسائلی چون اوضاع کردستان ایران و عراق، بمب‌گذاری‌ها و تحرکات ایزدایی در داخل و همکاری هرچه بیشتر مجاهدین خلق (منافقین) با عراق در خارج، هواپیماربایی و بالاخره جنگ قیمت‌ها و مسائل نفت و اوپک، موضوعات قابل‌ذکری است که در این کتاب توضیح داده می‌شود.

ضمن آرزوی توفیق بیشتر برای محققین و نویسندگان حوزه مطالعات جنگ تحمیلی که با وجود مشکلات و نارسائی‌های فراوان همچنان در این راه ثبات قدم دارند، برای آشنایی بیشتر خوانندگان فصلنامه با مطالب مندرج در این کتاب، مقدمه آن را درج می‌نمائیم.

هاشمی رفسنجانی:

وقتی انقلاب رخ داد آمریکا و عراق رابطه واقعیشان را برقرار کردند؛
اما دیدند اگر در جنگ بخواهند این مسئله را رو کنند،
هم دست آمریکا و هم دست عراق هر دو رو می شود؛
یعنی آمریکا نمی خواست اعلام بکند که از طریق عراق
دارد با ما می جنگد اما فشاری که شما
رزمندگان روی کرده اینها آوردید
اینها را وادار کرد که بالاخره مسئله را رو کردند
و نشان دادند که واقعیت ها چیست

مقدمه

کتاب سی و سوم از مجموعه روزشمار جنگ نظیر سایر مجلدات این مجموعه، مقطع زمانی معینی از جنگ ایران و عراق را در جنبه های مختلف و سطوح متفاوت، تحلیل و بررسی و گزارش می کند.

هفته جنگ و اعلام مواضع

جمهوری اسلامی ایران با اعلام مراسم مختلف در قالب هفته جنگ، هر سال، سالگرد تجاوز عراق را به عنوان یک فرصت مناسب تبلیغاتی، وسیله ای برای توضیح حقانیت ایران و مطامع تجاوزکارانه عراق قرار می دهد. در شروع دوره زمانی مربوط به این کتاب نیز، ایران که چهار سال جنگ تحمیلی را پشت سر گذاشته بود، با اعلام و انجام مراسم هفته جنگ به استقبال پنجمین سال آن رفت. از جمله مهم ترین آثار چنین اقداماتی می توان به افزایش روحیه مقاومت و توانایی بیشتر بسیج نیروهای داوطلب - که اساساً جنگ به آن متکی است - اشاره کرد.

هفته جنگ همچنین وسیله ای است برای مسئولان نظام که به اعلام مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال جنگ، بپردازند. سخنان آقای هاشمی رفسنجانی که در این مقطع، فرماندهی عالی جنگ را بر عهده دارد، مثالی در این باره است. وی در اولین روز هفته جنگ گفت: «آنها، حامیان عراق، صلح نمی خواهند، آتش بس

می خواهند و این که آن تضاد خونین بین ما و عراق باقی باشد؛ چیزی مثل آنچه در مرزهای سوریه و اسرائیل است. صدام، مرتجعین و امپریالیست ها صلح واقعی را نمی خواهند، فقط ما صلح واقعی را می خواهیم. در هفته جنگ باید این مسئله روشن شود که با وجود حزب بعث که عامل این جنایات است و مسئول این همه تخریب و خونریزی است، صلح واقعی وجود نخواهد داشت. راه صلح واقعی از طریق آزادی کامل عراقی هاست.»
وی در توضیح جایگاه دیپلماسی در راه رسیدن به صلح واقعی گفت: «به نقطه ای خواهیم رسید که دیپلماسی مسئله را حل بکند، اما این کار بدون جنگ سرنوشت ساز و عملیات برنده، تأمین نمی شود. خواست ما حل مسئله، بدون خونریزی است؛ اما به عقیده من هنوز یکی دو ضربه عمیق باید به نتیجه برسد.»
در خارج کشور نیز از جمله در لیبی، هند، آلمان و پاکستان، مراسم هفته جنگ، را ایرانیان هوادار انقلاب و نظام اسلامی، به نحوی مناسب برگزار کردند. از سوی دیگر در داخل، گروه هایی نظیر مجاهدین خلق (منافقین)، با انجام اقداماتی کوشیدند در مراسم هفته جنگ اختلال کنند؛ اقداماتی چون اشغال شبکه بی سیم شهربانی در شهرهای مختلف و ارسال پیام، پخش اعلامیه، دیوارنویسی و برخی اقدامات ایذایی نظیر پرتاب نارنجک و اقدام به ترور ناموفق که در سطح محدود و جزئی انجام شد.



عملیات خیبر که تنها بخشی از اهداف عملیات، تثبیت و تأمین گردید، عملیات دیگری حتی در سطح محدود انجام نشده بود و به جز تبادل آتش و تحرکات مرسوم و عادی در جبهه‌ها نظیر اعزام نیروهای شناسایی و بعضاً گشتی رزمی، اقدامی صورت نمی‌گرفت. قابل ذکر است که قرار بود دو عملیات با عناوین والفجر ۷ والفجر ۸ در تابستان ۶۳ انجام شود که هر کدام به دلایلی منتفی شد. عملیات والفجر ۷ انجام نشده قرار بود در محدوده پاسگاه زید واقع در منطقه شرق بصره انجام شود که دشمن در چند مرحله از جمله در دوم و پنجم تیر ماه با عملیات آب‌اندازی، منطقه را به شکل غیر قابل عبور در آورد و اجرای عملیات مزبور منتفی شد. عملیات والفجر ۸ انجام نشده عملیات متکی بر عبور از دو نقطه اروند در مقابل آبادان با دو طرح عبور موسوم به قادر و طاهر بود. ابتکار عمل طراحی و فرماندهی در این عملیات با نیروی زمینی ارتش بود و سپاه به دلایلی از جمله پیامدهای "عدم الفتح" خیبر، نقش همکاری و اجرا داشت. این عملیات در پی آشکار شدن عدم توانایی در حل مشکلات عبور از اروند و غیر قابل اجرا بودن طرح‌های مربوطه، منتفی شد.

به جز عملیات وسیع، عملیات محدود نیز در دستور کار قرار داشت؛ از جمله در مناطقی چون مائوت، دوپازا، حلبچه، سردشت، دربندیخان و میمک بررسی‌ها و اقدامات مقدماتی برای عملیات انجام شد؛ اما به جز

با پایان گرفتن هفته جنگ، در یک نگاه کلی به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران در امر تبلیغ و ترویج توانسته است اهداف خویش را تا حد زیادی محقق سازد. یک جمع‌بندی از بخش‌های مربوطه در وزارت ارشاد اسلامی حاکی از این است که مطبوعات جهان، همزمان با هفته جنگ جمهوری اسلامی، اقدام به نشر و درج مقالات و تفاسیری متعدد به مناسبت شروع پنجمین سال جنگ کردند. یادآوری می‌شود که چند روز قبل از هفته جنگ، عراق نیز هفته جنگی برای خود ترتیب داده بود تا نشان بدهد شروع جنگ، به وسیله ایران و قبل از تجاوز سراسری عراق بوده است. بازتاب یاد شده حکایت از آن داشت که مطبوعات جهان هفته جنگ جمهوری اسلامی را هفته جنگ محسوب کرده‌اند و به عبارتی عراق را آغازگر جنگ دانسته‌اند و به این ترتیب اهمیت کم‌تری به هفته جنگ عراق داده‌اند. البته این به معنای عدم جانبداری از عراق و پایان موضع‌گیری‌های همراه با کینه‌توزی علیه جمهوری اسلامی ایران نبوده است؛ فی‌المثل گزارش‌های حاوی اعتراف به تجمعات باشکوه مردم با عناوینی چون "جشن میان‌کشته‌ها" همراه می‌شد.

جبهه‌های زمینی جنگ

در شروع دوره مربوط به کتاب حاضر، رکود جنگ در جنبه عملیاتی در جبهه‌های زمینی محسوس بود. پس از

گفتاری در مورخ ۱۳۶۳/۷/۱۷ اعلام کرد: «رهبر ما جناب آقای صدام حسین فرمودند اگر ایرانیان جرأت دارند بگذارید دست به چنین عمل خیره سرانه و جنون آمیزی بزنند تا ببینند چه نوع مرگ و وحشتناکی در انتظارشان خواهد بود.» روزنامه الجمهوریه نیز که مثل سایر رسانه‌های گروهی و مطبوعات عراق در این زمینه فعال بود، در شماره مورخ ۱۳۶۳/۹/۴ نوشت: «نیروهای مسلح عراق برای تضمین [خنثی کردن] هر تجاوز تازه‌ای، تمام توان خود را بسیج کرده‌اند. عراق امروز از دیروز قوی‌تر است و برای هر نبردی تدارک دیده است.»

در سطح داخل ارتش عراق نیز اقدامات خنثی کننده تخریب روانی مذکور، انجام می‌شد؛ به عنوان نمونه: فرمانده عملیات شط العرب در نامه‌ای برای فرماندهی لشکر ۲۶ پیاده، با قید بکلی سری، ابلاغیه‌ای به شرح زیر ارسال کرد: «تلویزیون ایران (در تاریخ ۱۳۶۳/۷/۹) برخی از وسایل و فعالیت‌های عبور که شامل تمرین عبور مانع آبی بود، نشان داد. این تمرین ابتدا با مقابله خاکریز کرانه دور به وسیله تفنگ‌های ۱۰۶ میلی متری بعد از اجرای آتش تهیه و قبل از عبور قایق‌های تک‌ور از نوع فایبرگلاس، شروع شد و پس از آن، پل‌های شناور به منظور عبور بقیه نیروهای تک‌ور احداث گردید. این روشی سنتی [است] که انتظارش را داشتیم و مقتضیات به شکست کشاندن آن را نیز نشان دادیم، دو مرتبه بر آنها تأکید می‌کنیم عبور از رودها همچنان از دشوارترین عملیات‌هایی است که هرگز در تاریخ به موفقیت

میمک - که انجام عملیات در آن قطعی شد و اواخر مهر ماه اجرا گردید - مابقی به مرحله قطعیت و اجرا نرسید. یک دسته از دلایل، حول ضرورت انجام عملیات گسترده آتی در زمستان ذکر می‌شد؛ لزوم پرهیز از انهدام یگان‌ها که فرصت بازسازی خواهند خواست، ضرورت حفظ کادرها که جایگزین کردن آنان در کوتاه مدت دشوار خواهد بود و نیز اهمیت تمرکز وقت و فکر فرماندهان در منطقه عملیاتی آتی (که به نام حیدر خوانده می‌شد) در این باره عنوان می‌گردید.

اما علی‌رغم این رکود، ایران در اعلام این مسئله که در صورت عدم تأمین نظرات و رعایت حقوق ایران عملیات بزرگ آتی حتمی خواهد بود، تزلزل و تردید نشان نمی‌داد و آن را با قاطعیت تأکید و تکرار می‌کرد؛ به این ترتیب «سایه عملیات آتی ایران، مانع فراموشی و سرد شدن گرمای جنگ در هر دو اردوی متخاصم بود.

هر چند عراق در جنبه‌های مختلف می‌کوشید نشان بدهد که آمادگی کافی برای مقابله با حملات آتی ایران را دارد، اما صرف این امر که ابتکار عمل در حملات با ایران است و عراق مجبور است در نقطه‌ای که جمهوری اسلامی تعیین می‌کند بجنگد، اثر تبلیغاتی و روانی خاص خود را داشت. به این ترتیب، رژیم عراق علاوه بر اقدامات سیاسی و نظامی لازم، در جنبه روانی نیز می‌کوشید آثار چنین وضعیتی را که خود به خود تخریب روحیه مردم و ارتش عراق را همراه دارد، خنثی کند و یا حتی المقدور کاهش دهد؛ از جمله رادیو بغداد طی

هاشمی رفسنجانی درباره جایگاه دیپلماسی برای رسیدن به صلح می‌گوید:

به نقطه‌ای خواهیم رسید که دیپلماسی مسئله را حل نکند،

اما این کار بدون جنگ سرنوشت ساز و عملیات برنده،

تأمین نمی‌شود؛

خواست ما حل مسئله، بدون خونریزی است؛

اما به عقیده من هنوز یکی دو ضربه عمیق

باید به نتیجه برسد

نمی توانست حمله موعود تلقی شود؛ این است که کم تر از ۴۸ ساعت بعد از شروع عملیات، یک مفسر بی.بی.سی. گفت: «بعضی از ناظران، حمله های اخیر را مقدمات یک حمله وسیع خوانده اند و بعضی دیگر آن را آزمایشی برای سنجش میزان استحکامات دفاعی عراق تلقی کرده اند. به هر صورت اگر ایران در فکر آغاز حمله ای وسیع علیه مواضع نیروهای عراقی باشد، حدس قریب به یقین، آن را متوجه جبهه جنوبی جنگ و شهر بصره خواهد کرد.» حتی بعضی از مطبوعات به احتمال قطع جاده بصره - بغداد اشاره کردند که اتفاقاً به عنوان یکی از هدف های مهم عملیات آتی ایران در هور، تعیین شده بود.

عملیات محدود عاشورا در منطقه حساس میمک، هر چند در مجموع یک پیروزی برای ایران تلقی شد و حضور شخص صدام حسین در منطقه عملیات هم نشانه اهمیت درگیری ها و حساسیت منطقه مورد نزاع برای عراق بود که با برتری ایران پایان یافت، اما انتظار اصلی جهان، معطوف به حمله بزرگ ایران بود که منطقه وقوع آن بیشتر در جنوب حدس زده می شد. اتفاقاً، در عمل نیز بیشترین توجه فرماندهان خودی (سپاه) معطوف مراحل مقدماتی همین عملیات بود.

توجه فرماندهی سپاه یک بار دیگر جلب هور شده بود و جمع بندی فرمانده کل سپاه از توانایی ها و ناتوانی های خودی و دشمن این بود که تنها منطقه ممکن برای عملیات که بتوان با ابتکار عمل بر برتری های فاحش نظامی عراق غلبه کرد، منطقه هور است. عبور از هور به عرض ۱۰۰ کیلومتر و به عمق ۵۰ کیلومتر و رسیدن به حاشیه دجله و آغاز جنگ اصلی با دشمن در این جا، و سپس در صورت موفقیت در عبور از دجله، دستیابی به جاده مهم بصره - العماره و دسترسی به هورالحمار (آن سوی جاده بصره - العماره) و ناامن کردن منطقه تا جاده ناصریه با اعزام گشتی رزمی و نهایتاً تهدید جدی بصره (به عنوان هدف استراتژیک جنگ) از شمال، امری بود که به دلیل بدیع و متهورانه بودن طرح، در ذهنیت نظامی دشمن نمی گنجید و اقدام غیرمنتظره ای محسوب می شد که غافلگیری مورد نیاز خود را فراهم می کرد. چنین طرحی متکی بود بر

نرسیده است، مگر این که نیروی عبور کننده با هیچ نیرویی مواجه نشود؛ پس فرصتی تاریخی در پیش داریم تا در صورت جسارت جهت عبور از شط العرب، بتوانیم قبرستان بزرگی برای نیروهای دشمن ایجاد کنیم.»

همان طور که قبلاً اشاره شد، این مربوط است به عملیات والفجر ۸ انجام نشده که حدود دو ماه قبل از این ابلاغیه، منتفی شده بود. بعدها اطلاعات "سوخته" مربوط به این عملیات را سازمان مجاهدین خلق (منافقین) مستقر در عراق، وسیله ای برای تبلیغ سازمانی قرار دارد که ادعا کرد اخباری مبنی بر حمله آتی ایران دارد و آن را افشا می کند؛ حتی فرماندهان عراقی (نظیر فرمانده سپاه چهارم ارتش عراق، ژنرال طعمه الجبوری) اعلام کردند که دو سوم نیروی خود را در جبهه جنوب و در امتداد شط العرب متمرکز کرده است. به این ترتیب ابلاغیه مزبور با قید بکلی سری، در واقع بیشتر برای خنثی کردن جو روانی ناشی از عدم اطلاع عراق از زمان و مکان عملیات آتی می توانست مورد استفاده قرار گیرد.

در حالی که حمله آتی ایران و زمان و مکان وقوع آن یکی از حساس ترین موضوعات محوری مورد بررسی در اغلب رسانه های گروهی جهان است، یک عملیات محدود در میمک - در تاریخ ۶۳/۷/۲۵ - آغاز شد. هر چند منطقه میمک از جنبه هایی دارای حساسیت بود، اما از نظر منطقه عملیاتی و وسعت نیروهای به کار گرفته شده

نیروهای با انگیزه و داوطلب، برای شکستن بن بست جنگ و بیرون رفتن از باتلاق انفعال که هر روز بیش از پیش نیروهای خودی را در کام خود فرو می برد و دشمن و حامیانش را در نبرد اختن هزینه های تجاوز و حقوق مسلم ایران جری ترمی کرد.

در بازگشت به هور - البته نه با همان اهداف خیبر - شخص فرماندهی کل سپاه برادر محسن رضایی، نقش اصلی را داشت و هم او بود که اواسط مرداد ماه، پس از منتفی شدن عبور از اروند در والفجر ۸ انجام نشده، تعدادی از فرماندهان سپاه را در منزل خود دعوت و مسئله را با آنها طرح کرد و در ادامه به اتفاق آنان، در جلسه ای موضوع را با آقای هاشمی رفسنجانی فرماندهی عالی جنگ در میان گذاشتند سپس بررسی های اولیه ادامه یافت تا این که در مهر ماه، هور با نام منطقه عملیاتی حیدر، به طور قطعی و رسمی به عنوان منطقه عملیات بزرگ آتی تعیین شد و این مسئله به فرماندهان ذی ربط ابلاغ گردید.

در طول این دوره، مهم ترین اقدامات اجرایی مرتبط با عملیات آتی در هور مسئله شناسایی بود که هر روز یک یا چند تیم شناسایی از سپاه به کمین ها و خطوط مقدم و حتی پشت خطوط مقدم دشمن اعزام می شدند و قدم به قدم مسیر آینده نیروهای تک و رد در حمله غافلگیرانه آتی را شناسایی و بررسی و ثبت می کردند. اهمیت شناسایی دقیق از نزدیک، عاملی بود که حتی خطر اسارت برادران و فاش شدن اقدامات خودی نمی توانست مانع کار باشد. تنه راه، اندیشیدن تدابیری بود که خطر اسارت را کاهش دهد و به صفر نزدیک کند و در صورت وقوع چنین حادثه ای، از نظر انتقال اطلاعات لطمه چندانی به طرح عملیات آتی وارد نشود.

همزمان با منطقه هور، منطقه وسیعی از جبهه ها تحت پوشش فعالیت های مهندسی و نقل و انتقالات قرار می گرفت و به این ترتیب، هم سایر جبهه ها برای اقدامات آتی مهیأ تر می شد و هم دشمن علی رغم امکانات شناسایی نظیر ماهواره، هواپیماهای عکس برداری و... قادر به کشف منطقه اصلی عملیات نمی بود. پاره ای اقدامات دشمن در هور بعضاً سوءظن هایی را بر می انگیخت؛ اما در ادامه مشخص

می شد که عراق نتوانسته است محور اصلی فعالیت های خودی را کشف کند.

درباره اقدامات عراق در جبهه های زمینی، علاوه بر اقدامات شناسایی و تبادل آتش و دیگر اقدامات رایج و عادی در خطوط، عراق درست روز قبل از شروع عملیات میمک به یک تک محدود در منطقه زید (شرق بصره) دست زد. هدف این تک، رها کردن آب در پشت خاکریزها و دژهای خودی و غیر قابل کردن معابر تردد کنونی و نهایتاً عقب راندن نیروهای ایرانی از مواضع خود بود؛ تا فاصله خودی - دشمن در این ناحیه که در بعضی نقاط آن بسیار نزدیک شده بود، افزایش یابد. تلاش دشمن ابتدا موفق بود اما نیروهای خودی به سرعت مانع پیشروی عراق شدند و سپس نیروهای عمل کننده را سر جای قبلی خود عقب راندند و خساراتی به دشمن تحمیل کردند و تعدادی از آنها را به اسارت گرفتند. به جز اقدام فوق که جنبه تهاجمی داشت، از دفاع چهار روزه عراق در منطقه عملیاتی میمک که طی آن چندین پاتک سنگین اجرا کرد، می توان به عنوان اقدامات عمده ارتش عراق در جبهه های زمینی نام برد.

یادآوری می شود که طرح های مهندسی و جنگ آب عراق منحصر به رویداد ذکر شده نبوده است. طرح های مهندسی پیچیده دشمن در شرق بصره و افزایش موانع آبی در این منطقه به طور مداوم پیگیری

می شد و مرتباً پیچیدگی آن افزایش می یافت و نقایص آن رفع می گردید. این منطقه در واقع تنها راه خشکی حرکت به سوی بصره از سوی ایران است. شمال و جنوب این منطقه را باتلاق ها و هورها احاطه کرده است؛ بنابراین، منطقه شرق بصره در طول جنگ و نیز در طول دوره کتاب حاضر به مثابه اصلی ترین عرصه دفاعی و حساس ترین سرزمین های استراتژیک در کانون توجه عراق قرار داشته است و عظیم ترین سرمایه گذاری دفاعی عراق معطوف این منطقه بوده است.

جنگ هوایی و موشکی

در مسئله جنگ هوایی، نظیر سایر ادوار جنگ در دوره کتاب حاضر نیز از نظر تجهیزات و امکانات (تعداد هواپیما، تأمین قطعات یدکی و موشکی، امکانات پدافندی و ...) برتری مطلق با عراق بوده است؛ اما هیچ گاه این برتری هوایی نتوانست توازن قوای کلی جنگ را به نفع عراق به هم بزند و یا موجبات تضعیف اراده مقاومت در مسئولان، نظامیان و اقشار مردم را به وجود آورد.

در طول دوره، هواپیماهای عراقی مرتباً اقداماتی صورت می دادند نظیر: عکس برداری هوایی از تحرکات خودی، گشت های دائمی هوایی جهت شناسایی در پشت جبهه خودی و شهرهای مرزی، بمباران مداوم خطوط خودی و مراکز تجمع نیرو و تجهیزات و مهمات، اجرای بمباران وسیع در جبهه میمک و پشت جبهه آن (شهرها و روستاهای ایلام، مهران و ...) به جز یکی دو روز اول عملیات که هوا بشدت ابری بود و حمله به نفتکش ها (در جنگ کشتی ها خواهد آمد) و مراکز نفتی و صنعتی ایران. دو روز قبل از شروع این دوره، عراق حمله هوایی نسبتاً سنگینی به جزیره خارک انجام داد. انهدام مراکز و تأسیسات آب و برق این جزیره، قطع آب و برق رادربی آورده؛ البته با حمل ژنراتورهای اضطراری برق و حمل یخ از بوشهر تا حدی وضع عادی شد و با تأمین نیازهای اولیه، صدور نفت و فعالیت اسکله ها متوقف نگردید. حمله موشکی عراق به مجتمع پتروشیمی رازی

(ایران و ژاپن) در بندر امام خمینی در روز اول این دوره و یک هفته بعد از آن به توقف فعالیت کارکنان ژاپنی این مجتمع چندین میلیارد دلاری و خروج آنان از ایران منجر شد. مدتی بعد عراق تهدید کرد که اگر حمله زمینی ایران انجام شود، ۷۰ هدف در داخل ایران شناسایی شده است که مورد هجوم قرار خواهد گرفت. عراق خارجیان را تهدید کرد که پروژه های ایران را متوقف و ایران را ترک کنند. سفیر ژاپن در بغداد احضار شد و به وی اخطار شد که عراق لاوان را خواهد زد و درخواست کرد اتباع ژاپن این جزیره را ترک کنند. در لاوان که دور از برد حملات هوایی عراق قرار دارد متخصصان ژاپن در حال احداث تأسیسات ذخیره نفت بودند. به آنان اطمینان داده شد که عراق قادر به چنین عملیاتی نیست و به هر حال، اقدامات امنیتی کافی برای حفظ جان آنان مورد نظر قرار گرفته است.

در مجموع، در این دوره به جز عملیات میمک، فعالیت های نیروی هوایی عراق در زمینه توقف روند اقتصاد نفتی ایران از جمله در قالب جنگ کشتی ها، قابل توجه بوده است.

جنگ کشتی ها

بعد از عملیات خیبر، ایران برای اولین بار در پاسخ حملات عراق به کشتی های ایرانی، به "مقابله به مثل" پرداخت. به این ترتیب، حمله یکطرفه عراق به کشتی های ایرانی به "جنگ کشتی ها" تبدیل شد که تا

**وزیر دارایی عراق در مصاحبه با روزنامه
کویتي الانباء در مورد احتمال استفاده عراق
از سلاح شیمیایی در جنگ با ایران، گفت در
صورتی که شرایط ایجاب کند عراق برای
دفاع از شرف مردمش، مرزهای سرزمینش و
در نتیجه ملت عرب، احتمالاً چنین سلاحی را
به کار خواهد برد**

عنوان آماج موشک‌های عراقی بود. بخشی از دعاوی عراق در زمینه قدرت‌نمایی در جنگ کشتی‌ها، ناشی از چنین شرایطی بود. بعضاً عراق مدعی می‌شد که یک هدف بسیار بزرگ دریایی رازده است؛ در حالی که هیچ کشتی‌ای مورد اصابت قرار نگرفته بود و مراکز نفتی منطقه از وقوع چنین حمله‌ای اظهار بی‌اطلاعی می‌کردند و موضوع در حد یک ادعای تبلیغاتی عراق باقی می‌ماند.

طرح دیگری که برای کاهش خسارات و افزایش امکان ادامه تردد و ایجاد وضعیت امن‌تر برای کشتی‌ها اندیشیده و اجرایی شد، موسوم به عملیات کاروان بود. در عملیات کاروان، تردد قابل توجه کشتی‌ها با حمایت و اسکورت و تاکتیک‌های فریب در زمان نسبتاً کوتاهی با کم‌ترین خسارات ممکن انجام می‌گرفت؛ به عنوان مثال در چهارچوب همین طرح، روز ۱۳۶۳/۸۳ در فاصله زمانی ساعت ۲ بامداد تا ۱:۳۰ بعد از ظهر ۲۸ کشتی وارد بندر امامی خمینی شد و با آن خارج گردید. از این تعداد تنها سه کشتی مورد اصابت قرار گرفت.

یک مسئله قابل ذکر نقش فرانسه در تداوم جنگ کشتی‌ها به وسیله عراق است که محافل و مطبوعات فرانسوی خود بر آن تأکید می‌کردند. درباره نقش سلاح‌های فرانسوی در جنگ نفتکش‌ها بیشتر بر قدرت و کارایی موشک آگزوسه تأکید می‌شد؛ موشک‌هایی (آ.ام. ۳ با ۶۴۰ کیلو وزن، ام.ام. ۳۸ با ۷۰۰ کیلو وزن، و ام.ام. ۴۰ با ۸۲۵ کیلو وزن) که بین یک تا دو متر بالاتر از سطح دریا پرواز می‌کنند و با سرعت هزار کیلومتر در ساعت، با ۱۵۰ کیلو مواد منفجره به جداره کشتی‌ها اصابت می‌کنند. با توجه به سرعت زیاد، این موشک قبل از انفجار باعث ایجاد شکاف در داخل کشتی می‌شود و همین امر خسارات را بسیار بیشتر می‌کند. مع ذلک خطر ناشی از موشک‌های آگزوسه و تبلیغ فراوان برای آن نیز نتوانست نفتکش‌ها را از سفر به سوی جزیره خارک منصرف کند.

اما این نباید ناگفته بماند که در ادامه تردد کشتی‌ها در چنین وضعی سوددهی زیاد آن نیز از عوامل مهم بوده است. مسئولان یک نفتکش صراحتاً به مطبوعات گفتند با یک مرتبه بارگیری در ایران یک میلیون دلار در بازار

از سال ۱۹۶۷ (جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل) عراق با امریکا قطع رابطه کرده بود اما در سال ۱۹۸۲، امریکا در یک اقدام دوستانه نام عراق را از لیست سیاه کشورهای حامی تروریسم حذف کرد

شروع مقطع زمانی مربوط به کتاب حاضر، یعنی طی شش ماه اول سال ۱۳۶۳ به تناوب ادامه یافت. سخنان آقای هاشمی رفسنجانی در اولین روز این مقطع (۱۳۶۳/۶/۳۱) گویای وضعیت است. وی اعلام کرد که در صورت ادامه حمله به خارک و قطع رابطه نفتی ایران با خارج که با کمک‌های نظامی و اطلاعاتی کشورهای عربی و منطقه صورت می‌گیرد، ایران نسبت به بستن تنگه هرمز اقدام خواهد کرد و در آن صورت عواقب ناامنی در خلیج فارس دامنگیر همه خواهد شد. وی تأکید کرد: «اگر کار به این جا هم نرسد ولی کشتی‌های ما را بزنند، ما مقابل به مثل می‌کنیم. هر کشتی که آنها از ما بزنند، بالاخره یک کشتی از باند عراق زده می‌شود.» همه دانستند که منظور آقای هاشمی از باند عراق، کشورهای عربی حامل عراق در خلیج فارس است.

در هر صورت، در طول دوره پس از حدود سه هفته آرامش، مجدداً جنگ کشتی‌ها از سوی عراق شروع شد و با مقابله به مثل ایران ادامه یافت. ایران علاوه بر اقدام مقابله به مثل - که هر چند از نظر کم و کیف در سطحی پایین‌تر از عراق، اما به هر حال بطور مداوم انجام می‌داد - اقدام مهم دیگری را نیز در دستور کار داشت و آن اتخاذ و اجرای تدابیری بود که برتری نظامی عراق در حمله به اهداف دریایی را خنثی کند و بتواند با خسارات کم‌تر به صدور نفت و واردات اقلام حیاتی با کشتی، ادامه بدهد. از جمله این تدابیر قرار دادن هدف‌های کاذب دریایی به

عادی عاید آنها خواهد شد. گروه دیگری که سود می بردند، بیمه گران بودند. وضعیت ایجاد شده در جنگ کشتی ها تجارت پر سودی برای شرکت های بیمه ایجاد کرده بود. به اعتراف مدیر اجرایی بیمه لویدز لندن جنگ ۴۹ ماهه بین ایران و عراق برای تجارت بیمه و بیمه گران بسیار سودبخش بوده است.

نتیجه نهایی حاصل شده از فشارهای توان فرسای عراق را اکنون میست با این مضمون جمع بندی کرد که حمله عراق به نفتکش ها موفقیتی در متوقف کردن صادرات نفت ایران نداشته است اما از درآمد نفتی ایران کاسته است.

پس از اوج گیری جنگ کشتی ها - در اواخر دوره مورد نظر در کتاب - حملات عراق متوقف شد و پیامد آن، در روزهای آخر این دوره (سوم آذر) علی رغم ادامه تهدیدهای لفظی عراق، شرکت بیمه لویدز تغییراتی در نرخ بیمه کشتی ها اعلام کرد؛ به این ترتیب که به جای نرخ دو درصدی جاری، در شرایط جدید، نرخ بیمه، قابل مذاکره و بسته به توافق طرفین خواهد بود.

حملات شیمیایی

در دوره دو ماهه مربوط به کتاب حاضر، عراق سلاح شیمیایی به کار نبرد اما استفاده از آن را به عنوان یک تهدید جدی، صراحتاً تأکید کرد. در اوایل دوره، مطبوعات انگلیس خبر دادند که عراق اطمینان دارد که در صورت لزوم، می تواند با استفاده از سلاح شیمیایی حمله آتی ایران را دفع کند. از سوی دیگر، ایران با تأکید بر انتشار گزارش های قبلی هیئت های اعزامی سازمان ملل در خصوص کاربرد سلاح شیمیایی به وسیله عراق و بی اعتنایی و استفاده مجدد این کشور از چنین سلاح هایی، خواستار پایان یافتن سکوت مجامع بین المللی بخصوص سازمان ملل با این مسئله شد و از دبیرکل خواست با وجود گزارش هایی متعدد در خصوص فعالیت کارخانه های تولید سلاح های شیمیایی در عراق، کارشناسانی را جهت بازرسی و تهیه گزارش برای سازمان ملل، به عراق اعزام دارد.

اظهارات مقامات عراقی در این باره قابل توجه است؛ وزیر خارجه عراق استفاده کشورش از

از نظر امریکا برقراری رابطه با عراق صرف نظر از تبعات آن در جنگ ایران و عراق، یک پیروزی سیاسی در سطح منطقه بود که این کشور را قادر می ساخت موازنه جدیدی را به نفع متحدان منطقه ای خویش (اسرائیل - مصر - اردن) ترسیم بکند

سلاح های شیمیایی علیه ایران را افسانه ای خواند که ایرانی ها به وجود آورده اند؛ اما وی از رد کردن کاربرد این گونه سلاح ها امتناع نمود. وی در توجیه آن گفت: نمی خواهیم به آنها این آسودگی روانی را بدهیم. هشام حسن توفیق وزیر دارایی عراق نیز در مصاحبه باروزنامه کویتی الانباء در مورد احتمال استفاده عراق از سلاح شیمیایی در جنگ با ایران، گفت در صورتی که شرایط ایجاب کند عراق برای دفاع از شرف مردمش، مرزهای سرزمینش و در نتیجه ملت عرب، احتمالاً چنین سلاحی را به کار خواهد برد. در پی این اظهارات آقای رجایی خراسانی در سازمان ملل این را اعتراف صریح عراق دانست و تأکید کرد: ایران عمیقاً نسبت به این که رژیم عراق بار دیگر به حملات شیمیایی دست زند نگران است.

در این حال اسنادی که مربوط به اواخر دوره (۱۳۶۳/۹۴) می شود حاکی است که با توجه به قطعی بودن استفاده از سلاح های شیمیایی به وسیله عراق، یگان های سپاه در واحد بهداری اقدام به تأسیس قسمت پدافند ش.م.ر (علامت اختصاری شیمیایی - میکروبی. راکتیو) کرده اند. این اقدام جهت کسب آمادگی لازم هنگام به کارگیری این گونه سلاح ها به وسیله دشمن، ضروری است تا نیروهای خودی قادر به دفاع باشند و توان عملیاتی و رزمی آنها حتی المقدور دچار آسیب کم تری بشود. بنابراین گزارش لشکر ۱۴ امام حسین (ع)

فاکتور افکار عمومی را همراه دارد؛ ضمن این که برای مقاصد امریکا در برقراری رابطه مجدد، یک عراق سرزنش شده و "بدهکار" مناسب تر و کارپذیرتر است.

تجدید رابطه سیاسی امریکا و عراق

در محدوده زمانی کتاب حاضر نظیر غالب ایام جنگ تحمیلی، به دقت می توان گفت که علی رغم برتری فاحش عراق در تجهیزات و در حتی کمیت نیروی انسانی، جمهوری اسلامی ایران ابتکار عمل را در جبهه های زمینی و متأثر از آن در کل جنگ، در اختیار داشت. عراق صرفاً می توانست به ابتکار عملیاتی از سوی ایران بنشیند و با سرمایه گذاری کلان دفاعی امیدوار باشد که تهاجم آتی ایران را تا حدی که بسیار خطرناک نشود مهار خواهد کرد. اما در عرصه دیپلماسی، عراق قدرت مانور بیشتری داشته است. اقبال ابر قدرت ها و قدرت های بزرگ به این کشور، نه به خاطر دولت عراق بلکه به خاطر ضدیت کینه توزانه با ایران، مهم ترین عامل این قدرت عراق بوده است. البته توانایی های کادرهای رهبری عراق نیز بایستی در نظر گرفته شود. در این میان، تداوم روحیه مقاومت در ایران هر گونه فشار دیپلماسی جهانی حامی عراق را خنثی می کرد. در غیر این صورت مانورهای سیاسی عراق، به نحوی موثر، در عرصه جهانی ایران را در تنگنای خردکننده صرف نظر کردن از حقوق خویش قرار می داد. در شرایط فوق، ماجرای تجدید رابطه سیاسی بین دو کشور امریکا و عراق که در آخر دوره مورد بررسی ما، رسمیت یافت، معنای خاص خود را دارد. از نظر عراق تجدید رابطه امریکا هر چند با دعاوی و نقش قبلی رادیکال و ضد امریکایی این کشور در تناقض بود، اما در شرایط تکاپوی نخبگان عراقی برای نجات به هر قیمت، قطعاً این یک پیروزی بزرگ تلقی می شد. همچنین از نظر امریکا برقراری رابطه با عراق صرف نظر از تبعات آن در جنگ ایران و عراق، یک پیروزی سیاسی در سطح منطقه بود که این کشور را قادر می ساخت موازنه جدیدی را به نفع متحدان منطقه ای خویش (اسرائیل - مصر - اردن) ترسیم بکند. این در حالی است که مابین ایران و امریکا دشمنی و ستیز، جنبه اصلی روابط

که در عملیات آتی در هور نیز نقش خواهد داشت، در این باره به اقدام مشغول است.

در حاشیه این مبحث اشاره به یک موضوع غیرمنتظره با اهداف پیچیده و ناروشن از امریکایی ها قابل ذکر است. در تاریخ ۱۳۶۳/۸/۱۱ گزارش خبرگزاری های فرانسه و آسوشیتد پرس از یک برخورد بی سابقه مقامات رسمی امریکا با موضوع استفاده عراق از سلاح های شیمیایی حکایت می کرد. براساس این گزارش ها، امریکا علناً اعلام کرد که عراق در ماه مارس گذشته [مقارن زمان عملیات خیبر] جهت دفع حملات گسترده نیروهای پیاده ایران از سلاح های شیمیایی از جمله گاز کشنده اعصاب استفاده کرده و در این مقطع، قسمت اعظم ذخیره سلاح های شیمیایی را به کار برده است؛ لیکن از آن پس بار دیگر انبارهای خود را از این سلاح ها انباشته کرده است و "تابون" را که یک گاز اعصاب است در ماه مارس گذشته به وسیله عراق مورد استفاده قرار داده است.

این افشاگری چندین روز به وسیله رسانه های مختلف امریکا ادامه یافت. معنای این اقدام را در شرایطی که اخبار مختلف از مقدمات تجدید رابطه مجدد امریکا و عراق حمایت می کرد، در شرایط و زمینه های همین تجدید رابطه باید جست و جو کرد. از میان عوامل مطرح می توان به فشار بخشی از حاکمیت امریکا بر بخشی دیگر، در زمینه سیاست خاورمیانه ای این کشور اشاره کرد که بخصوص در آستانه انتخابات ریاست جمهوری،

تجدید رابطه عراق با امریکا هر چند با

دعاوی و نقش قبلی رادیکال و ضد امریکایی

این کشور در تناقض بود،

اما در شرایط تکاپوی نخبگان عراقی

برای نجات به هر قیمت،

قطعاً این یک پیروزی بزرگ تلقی می شد

بود. آنچنان که در جای خود خواهد آمد، شروع دوره با انفجار سفارت آمریکا در بیروت همزمان است و آمریکا ایران را در این ماجرا مظنون و مقصر اصلی می دانست. یادآوری می شود که از سال ۱۹۶۷ (جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل) عراق با آمریکا قطع رابطه کرده بود و در سال ۱۹۸۲، آمریکا در یک اقدام دوستانه نام عراق را از لیست سیاه کشورهای حامی تروریسم حذف کرد. مرور مسیر ماقوع و چگونگی تجدید رابطه آمریکا و عراق و بازتاب آن، مختصراً، در محدوده زمانی کتاب حاضر، به قرار زیر است:

۱۳۶۳/۸۲، خبرگزاری جمهوری اسلامی: مقدمات تجدید روابط آمریکا و عراق به سرعت فراهم می شود. سرویس اطلاعاتی آمریکا امروز برای از سرگیری فعالیت خود ساختمانی را در بغداد اجاره کرد. نماینده جدید سرویس اطلاعاتی آمریکا در بغداد گفته است که این اقدام جنبه سیاسی ندارد.

۱۳۶۳/۸۴، خبرگزاری فرانسه: امروز سازمان سرویس اطلاعات آمریکا اوسیس^۱، در مقر خود در بغداد آغاز به کار کرد. همزمان با آغاز فعالیت مجدد سازمان سرویس اطلاعات آمریکا اوسیس^۲ در عراق، صدام با صدور فرمانی زبان انگلیسی را به عنوان زبان رسمی دیپلماتیک وزارت امور خارجه عراق اعلام داشت.

۱۳۶۳/۸۷، گاردین: در یک سال گذشته، شواهدی از گرایش مخصوص آمریکا در حمایت از عراق وجود داشته است. بخش بزرگ حفظ منافع آمریکا در بغداد تحت پوشش سفارت بلژیک مشغول به کار است که از یک سفارتخانه تمام عیار، فقط عنوان آن را ندارد.

۱۳۶۳/۸۱۱، خبرگزاری ها: بعضی مقامات آمریکا اعلام کردند عراق از سلاح های شیمیایی استفاده کرده است و اکنون نیز انبارهای زیادی دارد.

۱۳۶۳/۸۱۳، رادیو آمریکا به نقل از واشنگتن پست همین موضوع را مطرح کرد.

۱۳۶۳/۸۱۵، رادیو آمریکا به نقل از لس آنجلس تایمز همین را تکرار کرد.

۱۳۶۳/۸۱۶، رونالد ریگان برای یک دوره چهار ساله دیگر به ریاست جمهوری آمریکا انتخاب شد. صدام با ارسال تلگرافی به کاخ سفید، انتخاب مجدد ریگان به ریاست

جمهوری آمریکا را تبریک گفت. در این تلگرام صدام اظهار امیدواری کرد که انتخاب مجدد ریگان منجر به برقراری روابط سودمند مثبت بین آمریکا و عراق شود. پیام تبریک صدام همزمان با ورود مورفی معاون وزیر خارجه آمریکا به عراق، از رادیو بغداد پخش شد.

۱۳۶۳/۸۱۷، روزنامه آمریکایی وال استریت ژورنال: طبق اظهار مقامی های وزارت امور خارجه آمریکا، آمریکا و عراق اعلام خواهند کرد که برای از سر گرفتن روابط کامل دیپلماتیک توافق نموده اند. اعلام این مطلب به دنبال ملاقات رونالد ریگان و طارق عزیز وزیر امور خارجه عراق در کاخ سفید طی چند هفته آینده، صورت خواهد گرفت.

۱۳۶۳/۸۲۲، لاری اسپیکر سخنگوی کاخ سفید: هنوز هیچ برنامه مذاکره ای با مسئولان دولت آمریکا، برای عزیز پیش بینی نشده است. آمریکا آماده برقراری روابط می باشد و هر زمان که عراقی ها آماده باشند، آمریکا چنین تصمیمی را با نظر موافق خواهد پذیرفت؛ ولی ما نمی توانیم پیش بینی کنیم که این تصمیم چه وقت گرفته خواهد شد.

۱۳۶۳/۹۴، میخائیل یوحنا طارق عزیز معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه عراق، بعد از سفر یک روزه به فرانسه و گفت و گو با مقامات فرانسوی، امروز وارد پایگاه اندروز در واشنگتن شد و در بدو ورود مورد استقبال ریچارد مورفی معاون وزیر خارجه آمریکا در امور خاورمیانه قرار گرفت.



مدت‌نظر قرار داده است. در سخنان رابرت هانتز آمده است: «علاوه بر مسئله جنگ، امریکا مایل است عراق را نیز در روند رویارویی با درگیری‌های اعراب و اسرائیل وارد کند.»

در تفسیر خبرگزاری لیبی (جانا) از این موضوع، آمده است: «آشکار سازی روابط دیپلماتیک میان امریکا و عراق نمایان گر خواسته دیوانه وار امریکا برای تشدید جنگ علیه ایران از طریق عراق است.» جانایاد آور شد: کمک‌های اقتصادی و نظامی امریکا به عراق، بدون آن که علناً اعلام شود، همیشه ادامه داشته است.»

به گزارش تلویزیون ای.بی.سی. جرج شولتز وزیر خارجه امریکا پس از دیدار با طارق عزیز به خبرنگاران گفت: «ما در جنگ بیطرف می‌مانیم؛ ولی این بیطرفی بدان معنی نیست که بنشینیم و در انتظار پایان جنگ باشیم.»

از سوی دیگر به گزارش همین رادیو «مقامات امریکایی با تأکید بر این که امریکا در جنگ ایران و عراق بیطرفی خود را حفظ خواهد کرد، می‌گویند: اشتباه خواهد بود اگر برقراری روابط مجدد سیاسی بین دو کشور، موجب گرایش امریکا به عراق و یا گامی علیه ایران به حساب آید». خبرنگاران به نقل از مقامات امریکایی می‌گویند ایالات متحده آماده است زمانی که ایران دست از حمایت از تروریسم بین‌المللی بردارد و آمادگی خود را برای انجام گفت‌وگو با عراق پیرامون جنگ خلیج فارس اعلام کند، امریکا به منظور بهبود روابط خود با ایران با آن کشور به گفت‌وگو بنشیند.

مسئله اسرائیل نیز، یکی از مهم‌ترین محورهای مورد بحث مفسران و رسانه‌های گروهی جهانی در بررسی و انتقال اخبار تجدید رابطه امریکا و عراق بوده است. مشکل عراق و حامیان آن در این زمینه این است که از سویی نخبگان مخاطب خود را قانع کنند که عراق خطری برای اسرائیل نیست و به اردوگاه دوستان اسرائیل پیوسته است، و از طرف دیگر در افکار عمومی توده‌های عرب، موقعیت عراق در برابر ایران حتی المقدور تضعیف نشود. به این ترتیب، تنوع و پیچیدگی خاصی در زمینه اخبار مربوط به این مسئله مشاهده می‌شود. از جمله این اخبار عبارتند از:

۶۳/۹۵- در یک بیانیه مشترک که شامگاه امروز در بغداد و واشنگتن انتشار یافت، اعلام خبر از سرگیری روابط بین دو کشور امریکا و عراق اعلام شد. به این ترتیب امروز ایالات متحده روابط دیپلماتیک خود با عراق را بعد از وقفه‌ای ۱۷ ساله از سر گرفت. این اقدام بلافاصله پس از ملاقات ۳۵ دقیقه‌ای رونالد ریگان رئیس جمهور امریکا با طارق عزیز وزیر خارجه عراق اعلام شد. عزیز قبل از ریگان با جرج شولتز وزیر خارجه امریکا ملاقات کرده بود. بعد از دیدار ریگان نیز قرار است ملاقاتی با کاسپر و اینبرگر وزیر دفاع امریکا انجام دهد.

در بررسی و تفسیر علل و پیامدهای تجدید رابطه امریکا و عراق، مفسر آسوشیتدپرس اعلام کرد: «امریکا در جست‌وجوی گسترش نفوذ خود در جهان عرب به این کار مبادرت کرده است.» اما مهم‌تر از آن، ربط این تجدید رابطه با جنگ عراق و ایران، که از محورهای بازتاب وسیع این خبر می‌باشد؛ از جمله در تفسیر رادیو بی.بی.سی در این باره آمده است: «اکنون به نظر می‌رسد جنگ فرسایشی بین ایران و عراق فعلاً ادامه خواهد یافت. مسلماً تجدید روابط دیپلماتیک بین عراق و امریکا آغاز تقویت روحیه رهبران عراق خواهد شد.»

رابرت هانتز کارشناس امور خاورمیانه در مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی جرج تاون، در بررسی و تفسیر خود "جنگ ایران و عراق"، ورود به روند صلح اعراب و اسرائیل^۲ و نیز "نفوذ شوروی و روابط آن با عراق" را به ترتیب به عنوان سه محور مهم این واقعه،

خبرگزاری آلمان: «طارق عزیز معاون نخست وزیر و وزیر خارجه عراق اظهار داشت: من رسماً اعلام می‌کنم که ما حکومت عراق، مخالفتی با برقراری روابط صلح‌آمیز میان اردن و اسرائیل نداریم. وی گفت: با این که اسرائیل علیه لبنان، اردن و فلسطینی‌ها تجاوز کرده است، اما عراق به خود این حق را نمی‌دهد که با طرح‌های صلح‌آمیز میان اسرائیل و دیگران مخالفت نماید.»

خبرگزاری فرانسه: «طارق عزیز پس از مذاکراتی با مقامات امریکا گفت: من رسماً اعلام می‌کنم که عراق با برقراری روابط صلح‌آمیز میان اسرائیل و کشورهای عربی دیگر مخالف نیست. ریگان نیز گفت: تصور می‌کنم تمام این موضوعات به این ختم خواهند شد که روزی کشورهای عربی موافقت خود با مذاکرات با اسرائیل را اعلام کنند.»

راديو امریکا: «اسرائیل می‌گوید نسبت به تجدید روابط رسمی واشنگتن و بغداد ایرادی ندارد، مشروط بر این که به روابط امریکا و اسرائیل آسیب نزنند. با این همه، اسرائیل عراق را در قبال اختلافات اعراب و اسرائیل یک کشور تندرو می‌داند و با فروش جنگ‌افزار ساخت امریکا به عراق مخالفت خواهد کرد. تحلیل‌گران نظامی در اسرائیل، پیوسته بر این نظر پافشاری کرده‌اند که پایان جنگ خلیج فارس دست ارتش عراق را در ستیزه جویی برضد

اسرائیل باز خواهد گذاشت. آنان این نظرات را رد می‌کنند که پیکار طولانی با ایران، عراق را خسته و ناتوان کرده است. آنها می‌گویند ارتش عراق از پیکار خلیج جنگیده‌تر و مجهزتر از زمانی بدر خواهد آمد که (در سال ۱۹۸۰) به جنگ علیه ایران اقدام کرد.»

خبرگزاری تاس: «طارق عزیز در واشنگتن تأکید کرد که اسرائیل در گذشته مرتکب عملیات تجاوزکارانه متعددی شده است و اعراب پیش‌بینی این قبیل عملیات را در آینده نیز می‌نمایند. وی همچنین اظهار داشت که کشورهای عرب با کسانی که به آنها حمله کرده‌اند، نمی‌توانند روابط عادی داشته باشند.»

خبرگزاری آلمان از بیت المقدس: «اوی پاسنر سخنگوی وزارت خارجه اسرائیل، ضمن این که تجدید رابطه امریکا با رژیم عراق را امری (عادی) خواند، فاش ساخت که اسرائیل از قبل در جریان عادی شدن این روابط قرار داشته است.» راديو اسرائیل: «آنچه در رابطه با از سرگیری روابط عراق و امریکا از اهمیت بیشتری برخوردار است، زمان و شرایطی است که این از سرگیری مناسبات آن صورت می‌پذیرد. عراق در سال ۱۹۶۷ به خاطر جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل، به بهانه اعتراض نسبت به پشتیبانی ایالات متحده از اسرائیل مناسبات خود را با آن کشور قطع کرد و اکنون پس از گذشت ۱۷ سال در حالی پیشگام جدید این روابط



طارق عزیز معاون نخست وزیر و وزیر خارجه حکومت عراق،

طی سخنانی در واشنگتن تأکید کرد:

عراق هرگز با مذاکرات انور سادات با اسرائیل و عقد قرارداد

صلح میان دو طرف مخالف نبوده است. وی افزود:

عراق با تلاش انور سادات برای سخن گفتن به عنوان نماینده

فلسطینی‌ها مخالف بود؛ لکن با حرکت وی در جهت مذاکرات

و صلح با اسرائیل هرگز مخالفتی نداشته است

همیشه بهتر است. طارق عزیز تأکید کرد که عراق برای برآورده ساختن نیازهای تسلیحاتی خود، اساساً به سلاح‌های شوروی متکی است.» همچنین روزنامه آساهی شیمبون نوشت: «دولت عراق قبل از برقراری روابط با امریکا، با دولت شوروی مشورت کرد و اکنون همه در انتظار تحرکات آتی شوروی می‌باشند. در حال حاضر شوروی ۷۰ درصد از نیازهای عراق در زمینه تجهیزات جنگی را تأمین می‌نماید و ۶۰۰۰ نفر مشاور نظامی در اختیار دولت عراق گذاشته است و افزایش صادرات اسلحه به عراق برای حفظ قدرت این کشور، موجب تشدید جنگ خواهد شد.»

واکنش ایران نسبت به تجدید رابطه مزبور طبعاً نوعی ابراز نارضایتی، البته با ادبیات خاص خود بود. نزدیکی بیشتر دو دشمن در هر حال نمی‌توانست مورد استقبال ایران قرار گیرد. آقای هاشمی رفسنجانی در یک سمینار سپاه اظهار داشت: «چراغ سبز نشان دادن اردن و عربستان و کویت و سودان و مراکش و اسرائیل و همه اقمارش (به عراق) شرکت امریکا را در جنگ نشان می‌داد؛ اما ظاهراً رابطه‌اش با عراق قطع بود؛ ولی آن قدر فشار به گرده‌شان آمد و آمدند و مسئله‌شان رارو کردند و احمقانه هم در اظهاراتشان گفتند که ما می‌خواستیم در سال ۷۹ رابطه برقرار کنیم، ولی ریاکارانه نکردیم.» وی در همین زمینه، در دیدار با عده‌ای از فرماندهان ارتش گفت: «وقتی که انقلاب رخ داد امریکا و عراق رابطه واقعیشان

است که هیچ چیز در این زمینه تغییر نکرده است. امریکا همان امریکای ۱۷ سال پیش است و اسرائیل همان اسرائیل؛ بنابراین تغییر را باید در بغداد جست‌وجو کرد.» یونایتد پرس: «طارق عزیز معاون نخست وزیر و وزیر خارجه حکومت عراق طی سخنانی در واشنگتن تأکید کرد: عراق هرگز با مذاکرات انور سادات با اسرائیل و عقد قرارداد صلح میان دو طرف مخالف نبوده است. وی افزود: عراق با تلاش انور سادات برای سخن گفتن به عنوان نماینده فلسطینی‌ها مخالف بود؛ لکن با حرکت وی در جهت مذاکرات و صلح با اسرائیل هرگز مخالفتی نداشت. شاید ما در این که چگونه این کار و یا آن کار را انجام دهیم نظر خاصی داشته باشیم؛ لکن هنگامی که یک دولت عربی دوست دارد که به یک توافق صلح دست یابد، ما حق متوقف ساختن او را نداریم. دولت عراق با یک موافقتنامه صلح میان اردن و فلسطینی‌ها با اسرائیل، مخالفت نخواهد کرد. وی افزود: گرچه اسرائیل جنایت تجاوز به لبنان، اردن و فلسطینی‌ها را مرتکب شده، ولی عراق حق ندارد که تلاش‌های صلح را مورد مخالفت قرار دهد.»

چگونگی روابط عراق و شوروی نیز از جمله سؤالات مطرح درباره نتایج این سفر و تجدید رابطه عراق و امریکا است. در این باره، در یک برنامه رادیو امریکا اعلام شد: «وزیر امور خارجه عراق در واشنگتن گفت روابط کشورش با اتحاد جماهیر شوروی از

را برقرار کردند؛ اما دیدند اگر در جنگ بخواهند این مسئله را رو کنند، هم دست آمریکا و هم دست عراق هر دو رو می شود؛ یعنی آمریکا نمی خواست اعلام بکند که از طریق عراق دارد با ما می جنگد و عراق هم نمی خواست اعلام بکند که به نیابت از آمریکا دارد با ما می جنگد. اما فشاری که شماها رزمندگان روی کرده اینها آوردید اینها را وادار کرد که بالاخره مسئله را رو کردند و نشان دادند که واقعیت ها چیست.»

آقای موسوی نخست وزیر در پایان یک جلسه هیئت دولت، در مورد افتتاح سفارت آمریکا در عراق گفت: «فشار آمریکا بر ما بی اثر است و این ارتباط جز

میرحسین موسوی نخست وزیر

در پایان یک جلسه هیئت دولت،

در مورد افتتاح سفارت آمریکا در عراق گفت:

«فشار آمریکا بر ما بی اثر است و این ارتباط

جز آن که نفرت ملت ما را نسبت به ابرقدرت

آمریکا تشدید کند، نفع دیگری برای او

نخواهد داشت»

آن که نفرت ملت ما را نسبت به ابرقدرت آمریکا تشدید کند، نفع دیگری برای او نخواهد داشت. به نظر ما، حرکات اخیر سیاسی، بین المللی و منطقه ای، با فعالیت تازه در جبهه ها و آمادگی کامل ارتش اسلام رابطه مستقیم دارد و در حقیقت به منظور روحیه دادن به ارتش در حال زوال بعث است.»

رابطه ایران و آمریکا

در طول دوره مربوط به کتاب حاضر، در رابطه بین ایران و آمریکا، ستیزه و دشمنی حاکمیت و تداوم داشته است. دو روز قبل از شروع این دوره یعنی در ۱۳۶۳/۶/۲۹، انفجاری مهیب ساختمان سفارت آمریکا در بیروت را

منفجر کرد.

در پی این انفجار، یک گروه برجسته از وزارت خارجه آمریکا - که ریچارد اوکلی متخصص مشهور تروریسم در آن عضویت داشت - به ریاست ریچارد مورفی مشاور وزارت خارجه - تحقیقات خود را درباره این حمله انتحاری در بیروت آغاز کرد. مورفی گفت که هدف، انهدام سفارتخانه و از طریق این انهدام درهم شکستن اراده دولت آمریکا بوده است؛ تا ما به این نتیجه برسیم که حفظ کردن حضور رسمی ما در لبنان، دیگر به نفعمان نیست. لیکن ما به آمریکا باز نمی گردیم. گاسپار واینبرگر وزیر دفاع آمریکا نیز اظهار داشت: ایالات متحده درباره انفجار سفارت خود در بیروت، چندین اقدام مهم از جمله اقدام انتقامی جویانه را مدنظر قرار داده است. واینبرگر گفت: ایران، سوریه و لیبی در این حادثه دست دارند؛ ولی آمریکا مدارک کافی در دست ندارد. دولت آمریکا تحقیقات دقیقی در این مورد آغاز کرده است. خانم جین کرک پاتریک سفیر آمریکادر سازمان ملل نیز گفت: ما این گونه حملات را به آمریکاییان قبول نمی کنیم ولی حمله کنندگان چه کسانی هستند؟

در این حال مأموران امنیتی آمریکا به بهانه جست و جو برای یافتن سلاح و بمب، تمامی خانه های دفتر حفاظت منافع ایران را بازرسی کردند و نیز اسلحه به دست، از سرپرست دفتر حفاظت منافع ایران بازجویی به عمل آوردند. همچنین سرپرست دفتر حفاظت را یک اتومبیل پلیس متوقف کرد. با درخواست گواهینامه و اسناد اتومبیل، مأمور پلیس با لحن طعنه آمیزی گفت: ما مراقب شما خواهیم بود.

از سوی دیگر، سخنگوی سفارت آمریکا در بیروت اعلام کرد که از هنگام وقوع انفجار تاکنون، سه ناو جنگی آمریکایی از جمله یک ناو هلی کوپتر و دو ناو حامل ۱۸۰۰ تفنگدار دریایی آمریکایی، به آب های لبنان رسیده اند و حوالی سواحل این کشور به حرکت در آمده اند.

با گذشت چند روز از حادثه، رسانه های گروهی آمریکا گروه جهاد اسلامی را مظنون درجه یک این حادثه و حملات انتحاری مشابه در سال گذشته معرفی



برای همین فکر می‌کنم اگر این سؤال را مطرح کنیم که علت خصومت ملت‌های مستضعف جهان علیه امریکا و امریکاییان چیست درست تر باشد.

در ادامه، ایران به عنوان مظنون اصلی ماجرا به نحوی جدی تر مطرح می‌شود. البته این بعضاً با برخی تردیدها همراه است که بی‌عملی امریکاییان علیه جمهوری اسلامی ایران را توجیه کند.

حدود دو هفته بعد از انفجار مزبور، یک مفسر رادیو امریکا اعلام کرد: مقام‌های اطلاعاتی امریکا می‌گویند که هویت گروهی را که مسئول حمله تروریستی ماه گذشته به ساختمان سفارت امریکا در شرق بیروت بود،

جودی پاول سخنگوی کاخ سفید در یک

برنامه تلویزیونی اعلام کرد:

«نتیجه مشهود و آشکار گروگانگیری

سفارت امریکا در تهران، وقوع جنگ ایران

وعراق بود

بدون این مسئله چنین جنگی به وقوع

نمی‌پیوست»

مشخص کردند. به گفته این مقامها، نام این گروه تروریستی، حزب الله است و در دره بقاع در شرق لبنان مستقر می‌باشد. این همان گروهی است که در حمله تروریستی سال گذشته به ساختمان سفارت امریکا و مقر تفنگداران دریایی این کشور در بیروت، دخالت داشته است. رژیم جمهوری اسلامی ایران مواد منفجره‌ای را که در بعضی از حملات تروریستی به کار گرفته تأمین کرده است. چند روز بعد واشنگتن پست نوشت: در اطاق‌های در بسته شورای امنیت ملی و وزارت دفاع امریکا، برخی از کارشناسان متقاعد شده‌اند که انفجار اخیر بمب در ساختمان جدید سفارت این کشور در بیروت با پشتیبانی جمهوری اسلامی ایران انجام گرفته

می‌کنند؛ اما اعتراف می‌شود که منابع جاسوسی اطلاعاتی امریکا کوچک‌ترین اطلاع و نشانه‌ای از اعضای این گروه و چگونگی فعالیت و موقعیت مکانی آنها ندارند. باین حال، وزارت امور خارجه امریکا اعلام کرد که در برخی از صادرات امریکا به ایران از جمله هواپیما و قطعات یدکی محدودیت‌های تازه‌ای قائل خواهد شد. آلن رامبرگ سخنگوی وزارت خارجه امریکا گفت: بیشتر، صدور هواپیما برای منظورهای تجاری، و نیز صدور هواپیمایی که ارزش آن کم‌تر از نیم میلیون دلار بود، بلا مانع بوده است. همچنین برای فروش و ارسال هلی‌کوپترهایی که وزن آنها از ده هزار پاوند کمتر بوده است و نیز فروش موتور قایق‌ها و هلی‌کوپترها به ایران، ممنوعیتی وجود ندارد. کالاهای دیگر نیز تا آن جا که بهای آن از هفت میلیون دلار تجاوز نمی‌کرد، به مسائل مربوط به کنترل‌های ضد تروریستی مربوط نمی‌شده است.

همزمان، سناریوهایی با دخالت ایران درباره ماجرا نوشته می‌شود و در مطبوعات منعکس می‌گردد؛ از جمله این که «انفجار سفارت امریکا و ستادهای تفنگداران دریایی در بیروت در سال گذشته و انفجار سفارتخانه‌های غربی و تأسیسات نفتی در کویت و حمله انتحاری به ساختمان جدید الحاقی سفارت امریکا در بیروت، بخشی از یک طرح واحد است. سازمان جهاد اسلامی از اتحاد سازمان یافته‌ای از گروه‌های افراطی تشکیل شده و این سازمان از ایران و توسط دو آیت‌الله اداره می‌شود. چهار فرماندهی منطقه‌ای در خاورمیانه، عراق، ایالات متحده و اروپای غربی زیر نظر شورای مخفی این سازمان فعالیت می‌کنند. فرماندهی خاورمیانه مرتباً در سفارت ایران در دمشق تشکیل جلسه می‌دهد. این فرماندهی که براساس دستورالعمل‌های تهران فعالیت می‌کند، دستور عملیات را صادر می‌کند و هزینه آنها را می‌پردازد.»

از سوی دیگر، میرحسین موسوی در مورد بمب‌گذاری سفارت امریکا در لبنان گفت: وقتی که مسلمانان لبنان و تمام کشورهای اسلامی زیر فشار امپریالیسم امریکا هستند این کشور نباید انتظار داشته باشد اتباعش در کشورهای مختلف امنیت داشته باشند.

است. کارشناسان، انجام اقدامی‌های تلافی‌جویانه گوناگون را از بمباران تهران گرفته تا تهاجم به مقر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مستقر در لبنان، مورد بحث قرار داده‌اند. همچنین جرج بوش معاون رئیس‌جمهور آمریکا و نامزد ریاست جمهوری دوره آتی طی یک مناظره سیاسی با رقیب خود از حزب دمکرات خانم جراردین فرارو در یک برنامه زنده سراسری، علناً و صراحتاً امام خمینی و به عبارت دیگر جمهوری اسلامی را مسئول اعمال و حرکات تروریستی به وقوع پیوسته در لبنان معرفی کرد.

در این حال، مسائل مربوط به امنیت مراکز آمریکایی در جهان و تهدیداتی که در این باره وجود دارد، به اشکال مختلف در خبرگزاری‌ها و مطبوعات، بحث و گزارش می‌شود. در یک مورد، یونایتدپرس از آنکارا گزارش داد: نیروهای امنیتی در آنکارا، در جست‌وجو برای یافتن یک کامیون مملو از مواد منفجره که برای انجام یک حمله انتحاری علیه سفارت آمریکا در نظر گرفته شده است، متوجه گاراژهای موجود در سراسر پایتخت ترکیه شده‌اند. یک سخنگوی سفارت آمریکا در آنکارا اظهار داشت: ما این تهدید را بسیار جدی تلقی می‌کنیم. اکنون سفارت آمریکا با حداقل کارکنان به کار خود ادامه می‌دهد و بسیاری از کارمندان مرخص شده‌اند.»

همزمان به گزارش ای.بی.سی. اقدامات امنیتی در داخل آمریکا نیز افزایش یافته است. مثلاً در اطراف کنگره آمریکا، بعد از ساعات کار اداری از کامیونهای بزرگ از جمله یک کامیون زباله‌کشی برای مسدود کردن راههای ورودی به این محل استفاده می‌شود.

هر چند احساس ناامنی شدید، آمریکا را در انفعال فرو برده است، اما مقامات آمریکایی به طور رسمی دلیل دیگری اعلام می‌کنند. آنها ابهامات موجود درباره عوامل حادثه و قطعی نبودن نتیجه تحقیقات را عنوان می‌کنند؛ به عنوان مثال: در یک مناظره تلویزیونی بین ریگان و والتر ماندیل رقیب وی از حزب دمکرات، ریگان در پاسخ ماندیل گفت: در مقابله با تروریست‌ها! آری ما می‌خواهیم تلافی کنیم؛ اما در صورتی که بتوانیم روی مسئولان آن انگشت بگذاریم.

شاید علت واقعی انفعال آمریکا، در گزارش یک

کمیته در سنای آمریکا که درباره حادثه بمب‌گذاری تحقیق کرده بود، نهفته باشد. کمیته مزبور در گزارش خود که در تاریخ ۱۳۶۳/۷/۴ درباره حادثه بمب‌گذاری انتشار یافت، توصیه می‌کند که تعداد کارکنان آمریکا در لبنان به حداقل مطلق کاهش یابد. کمیته مزبور افزوده است که با تعطیل این سفارت مخالف است و معتقد است که حمله به آمریکا احتمالاً در جای دیگری ادامه خواهد یافت. همچنین گفته است که چون مقابله با حملات انتحاری همچنان بی‌نهایت مشکل خواهد بود، بیشتر کنسول‌گری‌های آمریکا باید انتظار آن را داشته باشند.

در این حال اذعان می‌شود که تدابیر امنیتی در برابر تصمیمات متعصبانه فردی که دست به عملیات انتحاری می‌زند، ممکن است بی‌فایده باشد. در همین باره مک‌فارلین مشاور امنیت ملی ریگان در یک برنامه خبری تلویزیونی شبکه ای.بی.سی. گفت: شناس حملات تروریستی جدید حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد می‌باشد.

نهایتاً، علی‌رغم گزارش‌های مختلف حاکی از دخالت ایران، اقدامات تلافی‌جویانه آمریکا از حدتهدید لفظی فراتر نرفت و تا پایان دوره هیچ اقدام عملی در جهت تنبیه ایران صورت نگرفت.

موضوع قابل ذکر دیگر در روابط ایران و آمریکا، فرا رسیدن سالگرد حادثه تاریخی ۱۳ آبان و مراسم و گزارش‌های مربوط به این ماجرا است. در تاریخ ۱۳۶۳/۷/۱۰ در آستانه سالگرد اشغال سفارت آمریکا در تهران به وسیله دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، در آمریکا شبکه تلویزیونی ای.بی.سی. یکی از برنامه‌های معروف خود به نام "نایت لاین" را به این موضوع اختصاص داد. در این برنامه که ویژه سالگرد اشغال لانه جاسوسی تهیه شده بود، افراد ذیل به طور مستقیم از طریق ماهواره شرکت داشتند: هودینگ کارتر سخنگوی وزارت خارجه در دوره کارتر، جودی پاول سخنگوی سابق کاخ سفید، دو تن از گروگان‌ها به نامی‌های مورهد کندی و باری روزن، ابوالحسن بنی‌صدر رئیس‌جمهور مخلوع ایران، دکتر رجایی خراسانی نماینده ایران در سازمان ملل و حسین شیخ‌الاسلام معاون سیاسی

وزارت خارجه، مهم‌ترین موضوع حاصل از این برنامه، اظهارات جودی پاول سخنگوی کاخ سفید در دوره کارتر و مطالبی درباره نقش امریکا در جنگ تحمیلی بود. پاول در پاسخ به اظهارات شیخ الاسلام معاون سیاسی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران صراحتاً اعلام داشت که نتیجه مشهود و آشکار گروگان‌گیری، جنگ ایران و عراق است و بدون گروگان‌گیری، این جنگ به وقوع نمی‌پیوست. وی توضیح بیشتری در این باره نداد؛ لیکن در ادامه راجع به سخنان شیخ الاسلام گفت: وقتی ایشان از افتخار آنچه انجام داده‌اند به خود می‌بالند، بهتر است کمی مکث کنند و فهرست تلفات جنگ را مطالعه بفرمایند که دهها هزار تن از هموطنان ایشان کشته شده‌اند. بعد از ذکر نام هر یک از آنها می‌تواند بگوید که آنها به خاطر حماقت من کشته شده‌اند.

نقش بنی صدر اغراق‌ها و غلوها و من‌های همیشگی بود. وی مکرراً می‌گفت که من بودم که اولین بار به این حرکت اعتراض کردم، من بودم که مقاله‌ای در این زمینه چاپ کردم، من بودم که آنها را آزاد کردم و من تنها کسی بودم که با این امر مخالف بودم و جرأت داشتم که بگویم، تمام اقدامات اولیه مال من بود. اما باری روزن گفت: بنی صدر اقدامی برای آزادی گروگان‌ها نکرد. وی شخصی بی‌نغوذ و خنثی بود و در واقع دولت ایران در دست شخص امام بود که ما را رها نمود.

در واکنش نسبت به این بیانیه، صدای امریکا اعلام کرد: «ایران امروز اشغال پنج سال پیش سفارت امریکا را به خود تبریک گفت و از دیگر کشورها خواست حملات مشابهی انجام دهند. وزارت امور خارجه ایران می‌گوید دیگر کشورها نیز باید از سرمشق ایران پیروی کنند تا خود شاهد موضوع باشند. روز جمعه (۱۳۶۳/۸/۱۱) نیز پرزیدنت سیدعلی خامنه‌ای گفته بود ایران حق دارد به منافع امریکا حمله کند. گزارش‌ها از هوشیاری و گوش به زنگ بودن واحدهای نظامی امریکا در خاورمیانه و اروپا حکایت دارد.» یادآوری می‌شود که آقای خامنه‌ای در نماز جمعه این هفته تهران درباره سالروز سیزده آبان گفته بود: «ما تا زمانی که سیاست امریکا ضربه زدن بر جمهوری اسلامی است، ما هم حق خود می‌دانیم در هر جای دنیا مقابله به مثل کرده و ضربات خود را بر امریکا وارد کنیم.»

دکتر رجایی خراسانی در پاسخ به سؤال مجری در مورد احتمال برقراری پل رابط بین ایران و امریکا در آینده گفت: این بستگی به امریکا دارد که نسبت به ایران چه می‌خواهد بکند. جنگ عراق که به ماتحمیل شد، اگر با دستور مستقیم شما نبود (لااقل) با حمایت شما صورت گرفت. از یک سو شما در پشت جنگ هستید، از سوی دیگر خواهان دوستی و عادی نمودن روابط هستید. در پاسخ به سؤال مشابه، شیخ الاسلام گفت: این را باید از آقای ریگان پرسید. وی اخیراً گفت که سقوط شاه یک لکه ننگ برای امریکا و سیاستش می‌باشد. وی هنوز سعی دارد شاه را از زیر خارک بیرون بکشد. تا زمانی که این منطق وجود دارد، کاری نمی‌توانیم انجام بدهیم.

موضوع قابل ذکر دیگر، تداوم برنامه‌های تبلیغاتی ضدایرانی در رادیو امریکا در طول دوره است. تقریباً هر روز از این رادیو گزارش‌هایی در جهت تبلیغ گروه‌های مخالف نظام و یاد جهت تخطئه حرکات نظام اسلامی پخش می‌شود. همچنین وضع بهائیان در ایران طی تفسیرهایی شبیه آنچه ذیلاً آمده است، مرتباً پیگیری می‌گردد: «هنگامی که آیت‌الله خمینی حکومت اسلامی خود را در ایران برقرار کرد، تبلیغ می‌کرد که آن

نوع حکومت اسلامی که او تأسیس می کند حقوق کلیه اقلیت های مذهبی را محترم خواهد شمرد؛ اما یک گزارش خبری که در اوایل ماه میلادی جاری در مورد ایران منتشر شد حاکی است که جمهوری اسلامی رفتار وحشیانه ای در مورد بهائیان پیش گرفته است... دولت امریکا به اعتراض خود ادامه می دهد؛ زیرا مستضعفان بهایی روز به روز مستأصل تر می شوند.»

موضوع دیگر، تداوم وضعیت اضطراری درباره ایران است که یک بار دیگر، بنابر اختیارات رئیس جمهور امریکا این وضعیت تمدید شد. در تاریخ ۱۳۶۳/۸/۱۷، ریگان طی نامه ای به توماس اونیلی رئیس مجلس نمایندگان توضیح داد که چرا نبایستی به محدودیت های اعمال شده علیه ایران پایان داده شود. در این نامه آمده است که عادی شدن کامل روابط تجاری و دیپلماتیک مابین ایران و امریکا، نیازمند زمان بیشتری است. جالب است که همزمان، بهبود مناسبات امریکا و عراق و این که تجدید رابطه دو کشور در آینده نزدیکی تحقق خواهد یافت، طی گزارش های غیررسمی در مطبوعات امریکا منتشر می شد.

در مقایسه دیپلماسی ایران و عراق در برخورد با امریکا می توان گفت که: عراق بر خلاف نقش ملی که برای خود قائل بود به مانورهای سیاسی پرداخت و عملاً و در نقش رهبر منطقه و عامل مبارزه با صهیونیزم، به نقش متحد وفادار امریکا نزدیک شد؛ اما به دلیل ساختار توتالیتر و غیر پاسخگویی قدرت در عراق، این رژیم در داخل کشور با مشکل مواجه نمی شد. در حالی که دولت جمهوری اسلامی ایران حتی اگر هم می خواست، نمی توانست از نقش سنگر انقلاب و حامی جنبش های رهایی بخش و ضدامپریالیست که با هویت نظام در هم تنیده بود، عدول کند. بنابر ساختار خاص مردمی و شأن پاسخگویی نظام، مشاهده زیگزاگ هایی از نوع رفتار سیاسی عراق، موجب بروز عکس العمل های جدی و حتی بحران مشروعیت در داخل نظام می شد.

مواضع و رفتار ضد اسرائیلی ایران

مبارزه ضد صهیونیستی و مخالفت با موجودیت دولت

غاصب اسرائیل - که جمهوری اسلامی آن را رژیم اشغالگر قدس می خواند - یکی از محدودیت های مهم سیاست خارجی ایران از زمان پیدایش نظام جدید به بعد، از جمله در دوره مورد بحث کتاب بوده است. در این دوره هر چند برخی دشمنان نظام نظیر عراق و منافقین (مجاهدین خلق) مرتباً ایران را به داشتن رابطه و تهیه و خرید تجهیزات و سلاح از اسرائیل متهم می کردند، اما در سطح جدی خبررسانی جهانی، دشمنی ایران و اسرائیل امری آشکار و بدیهی بود. از اولین روز این دوره (۱۳۶۳/۶/۳۱)، نماینده ایران در بیست و هشتمین کنفرانس آژانس بین المللی انرژی اتمی

عراق با برقراری رابطه با امریکا

بر خلاف نقش ملی که برای خود قائل بود

به مانورهای سیاسی پرداخت و عملاً

در نقش رهبر منطقه و عامل مبارزه با

صهیونیزم، به نقش متحد وفادار امریکا

نزدیک شد

اعلام کرده است که مسئله اخراج رژیم اشغالگر قدس را از این سازمان پیشنهاد و بر آن پافشاری خواهد کرد. اما اقدام مهم ایران در این دوره، ارائه طرح اسرائیل از مجمع عمومی سازمان ملل متحد بود. این سومین بار بود که ایران برای این هدف تلاش می کرد. در دو اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل طی سالهای ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲، مسکوت گذاردن طرح ایران رأی آورده بود و این بار نیز کسب اکثریت برای ایران، امری دور از دسترس محسوب می شد. از اولین روزهای کتاب حاضر، فعال بودن دیپلماسی ایران در این راستا مشهود است. ایران با اعزام هیئت هایی به کشورهای مختلف، به تشریح این طرح می پرداخت و همکاری و هماهنگی کشور مزبور

را خواستار می‌شد. برخی کشورها می‌پذیرفتند و حتی استقبال می‌کردند و برخی دیگر با بهانه‌هایی تلویحاً رد می‌کردند.

اسرائیل و آمریکا به طور مشخص به مقابله با زمینه‌سازی‌های ایران پرداختند. اسرائیل باب مذاکره با دولت لبنان را باز کرد و با وعده‌هایی، مستمسکی برای ایجاد تردید در برخی دولت‌ها به وجود آورد. آمریکا نیز به انحاء مختلف در پشتیبانی از حضور اسرائیل در سازمان ملل اقدام کرد. فی‌المثل: در ضیافت شامی که جرج شولتز وزیر خارجه آمریکا برای وزارت خارجه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج (فارس) بر پا

حتی انتقال سفارت آمریکا از تل‌آویو به بیت‌المقدس را مطرح می‌نماید.

در این حال ریگان صراحتاً نگرانی و مخالفت خود را نسبت به طرح ایران ابراز کرد. وی ضمن تأکید بر تعهد آمریکا در قبال جهان شمولی سازمان ملل متحد گفت: اگر این اصل نادیده گرفته شود و کشوری به طور غیرقانونی از این سازمان اخراج گردد، از سازمان ملل متحد نمی‌توان انتظار موفقیت داشت. در همین زمینه، مقامات هندی در پاسخ به پیشنهاد فرستاده‌های ایران گفتند که اگر حمایت بیشتری از طرح اخراج اسرائیل شود، آمریکا سازمان ملل را از هم خواهد پاشید و ما مایل به این کار نیستیم. برخی رسانه‌های گروهی نیز در تفاسیری تصریح کردند که مسئله اخراج اسرائیل بیهوده و شکست خورده است؛ چون آمریکا، به عنوان یکی از اعضای دائمی شورای امنیت، هرگز با آن موافقت نخواهد کرد. خبرنگار رادیو اسرائیل گزارش داد: آقای شولتز وزیر خارجه آمریکا، ضمن ملاقات با آقای شامیر به شوخی گفت: ما منتظریم تا اسرائیل از سازمان ملل اخراج شود تا ما هم بالاخره از این سازمان فرار کنیم و بعد هر دو وزیر به خنده افتادند.

در مقابل، نماینده ایران در سازمان ملل متحد، آقای رجایی خراسانی اعلام کرد: «نفس مبارزه با رژیم اشغالگر قدس برای ما یک هدف است. این که ما رو در روی دشمنی در صحنه‌های بین‌المللی بایستیم و مواضع

جرج شولتز وزیر خارجه آمریکا

پس از دیدار با طارق عزیز به خبرنگاران

گفت: «ما در جنگ بیطرف می‌مانیم؛

ولی این بیطرفی بدان معنی نیست که

بنشینیم و در انتظار پایان جنگ باشیم»

کرده بود، علناً از آنان خواست به پیشنهاد اخراج اسرائیل رأی ندهند. وی گفت اکنون شکی وجود ندارد که اسرائیل می‌خواهد هر چه زودتر از لبنان خارج شود و این مسئله مشروط به بیرون رفتن سوریه از لبنان هم نیست. همچنین ریچارد مورفی معاون شولتز، پس از سفر به تل‌آویو و قاهره، مذاکرات خود را سودمند خواند و گفت: اسرائیل قاطعانه مایل به خارج کردن نیروهای خود از لبنان است. اما وی افزود که امنیت مرزهای شمالی اسرائیل مورد توجه آمریکایی‌ها باشد. این در حالی است که اسرائیل حتی در سطح وعده هم چشم‌انداز قابل‌حصولی ارائه نمی‌دهد. هم‌زمان، جناحی دیگر در آمریکا با زبان دیگری راجع به اسرائیل صحبت می‌کند و

**مسئله اسرائیل، یکی از مهم‌ترین محورهای مورد بحث
رسانه‌های گروهی جهان در بررسی و انتقال اخبار تجدید
رابطه امریکا و عراق بود،
مشکل عراق و حامیان آن در این زمینه این بود که از سویی
نخبگان خود را قانع کنند که عراق خطری برای اسرائیل
نیست و به اردوگاه دوستان اسرائیل پیوسته است،
و از طرف دیگر در افکار عمومی توده‌های عرب، به گونه‌ای
رفتار شود که موقعیت این کشور در برابر ایران تضعیف نشود**

همزمان با فعالیت‌های امریکا و انگلیس، ایران نیز در حاشیه اجلاس مزبور فعالیت خود را تشدید می‌کرد؛ از جمله: دیپلمات‌های ایران با سفیر لبنان در سازمان ملل صحبت و از وی تقاضا کردند ایران را تنها نگذارد. وی گفت که مذاکره محرمانه بین دولتش و یهودیان در جریان است و حمایت از طرح ایران برای آن مذاکرات مضر است. اما بعضی کشورها نیز بودند که علی‌رغم رأی سال گذشته خود علیه طرح ایران، امسال تغییر نظر دادند.

نهایتاً، به گزارش خبرگزاری فرانسه (مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای سومین سال متوالی تلاش ایران برای اخراج اسرائیل از سازمان ملل را رد کرد. مجمع عمومی پیشنهاد دانمارک را دایر بر این که بحث درباره درخواست ایران به تاریخ نامعین موکول شود، با اکثریت ۸۰ رأی موافق در برابر چهل رأی مخالف و ۲۲ رأی ممتنع تصویب کرد.) اسرائیل شادمان از این مسأله استقبال کرد. رادیو اسرائیل گزارش داد «این سومین بار متوالی است که جمهوری اسلامی ایران در توطئه خود برای رد اعتبارنامه نماینده اسرائیل، شکست می‌خورد.»

رادیو بی.بی.سی با استناد به گزارش خبرنگار این رادیو در سازمان ملل متحد، تفسیری پخش کرد که در آن آمده است: «نقطه حائز اهمیت، تغییراتی بود که در رأی نمایندگان چند کشور عرب دیده شد. در حالی که نمایندگان لیبی و سوریه از پیشنهاد ایران پشتیبانی کردند،

خود را قاطعانه اعلام کنیم مهم است. رژیم اشغالگر قدس نیز از این مسئله نگران است؛ زیرا این مسئله که سیاست مبارزه با اسرائیل از سوی جمهوری اسلامی ایران به طور ممتد دنبال می‌شود، هم برای اسرائیل خطرناک است و هم این مهم، در سازمان ملل جامی افتد؛ به طوری که موضوع اخراج اسرائیل یک سنت می‌شود. خود جافتادان این سنت یک موفقیت سیاسی است. البته به خواست خدا امیدواریم طرح اخراج اسرائیل با موفقیت صددرصد در آینده روبرو شود.» وی در پاسخ به این سؤال که آیا شورای امنیت می‌تواند از اخراج اسرائیل جلوگیری کند گفت: «ما می‌کشیم اسرائیل را از مجمع عمومی اخراج کنیم نه از سازمان ملل؛ درست مثل سیاستی که در مورد رژیم افریقای جنوبی اعمال شده است؛ این رژیم در سازمان ملل حضور دارد اما حق شرکت در مجمع عمومی را ندارد. شورای امنیت هنگامی اظهار نظر می‌کند که ما بخواهیم اسرائیل را از کل سازمان ملل اخراج کنیم. البته وقت این پیشنهاد هم خواهد رسید.»

زمان برپایی اجلاس فرا رسید. سخنگوی وزارت خارجه ایران باریاکارانه خواندن وعده‌های هیئت حاکم امریکا درباره خروج اسرائیل از لبنان، اعلام کرد که برگزاری جلسات آشکار و پنهان به کارگردانی سردمداران حکومت امریکا در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل، تأثیری در اراده جمهوری اسلامی ندارد.

عربستان به جانبداری از ایران رأی داده است. تغییر موضع مراکش، پیشنهاد ایران را که به وسیله لیبی تأیید شده بود مورد حمایت قرار داد. اما لبنان نیز مثل اردن سعی کرد در رأی گیری شرکت نکند و سودان نیز طرف مصر را رها کرد و از ایران جانبداری نمود.»

اضافه می شود که موضوع کویت نیز جالب توجه است. علی رغم رأی موافق کویت به طرح ایران، نماینده دائمی کویت در سازمان ملل در مصاحبه خود به توجیه و دفاع تلویحی از موضع سه کشور اردن، لبنان و به خصوص عراق پرداخت و گفت: این کشورها با اصل موضوع طرح ایران مخالف نیستند؛ ولی با روشی که به وسیله آن، ایران طرح خود را مطرح کرده است، مخالف می باشند. وی گفت: به عقیده این سه کشور، طرح ایران مبنی بر اخراج اسرائیل از سازمان ملل یک اقدام انفرادی است؛ زیرا طرح مزبور با این کشورها مورد بحث و تبادل نظر قرار نگرفته بود. وی گفت: ما در کویت نیز امیدوار بودیم که ایران مسئله اخراج اسرائیل از سازمان ملل را به عهده مجموعه کشورهای عربی می گذاشت. او در پاسخ به سئوالی درباره موضع جدید رژیم عراق در مخالفت با اخراج اسرائیل از سازمان ملل گفت؛ موضع برادران عراقی حتماً از یک شناخت واقعی سرچشمه می گیرد و از این رو برادران عراقی رأی خود را بر اساس شناخت و طرز فکر خود دادند.

در پایان بد نیست به چند موضع گیری و اظهار نظر اسرائیلی ها و دوستان آنان، در قبل از رأی گیری مجمع عمومی، اشاره شود.

اسحاق شامیر وزیر خارجه رژیم صهیونیستی در مصاحبه ای گفته بود: «گمان نمی کنم تلاش ایران در سازمان ملل برای اخراج اسرائیل به نتیجه برسد؛ چون حتی بسیاری از کشورهای عربی، نسبت به اخراج اسرائیل شور و شوق زیادی ندارند.» از سوی دیگر، سفیر اسرائیل در انگلیس با مقامات این کشور از جمله ریچارد لوس وزیر مشاور در امور خارجه، مسئله طرح اخراج اسرائیل از سازمان ملل را مطرح کرده بود و دولت انگلیس در پایان، بار دیگر حمایت از رژیم صهیونیستی در کلیه محافل جهانی را مورد تأکید قرار داده بود. یک مقام وزارت خارجه رژیم صهیونیستی درباره

واکنش ایران نسبت به تجدید رابطه عراق با

امریکا طبعاً نوعی ابراز ناراضی، البته با

ادبیات خاص خود بود،

نزدیکی بیشتر دو دشمن در هر حال

نمی توانست مورد استقبال ایران قرار گیرد

سایر کشورهای عرب مواضعی متفاوت در پیش گرفتند. جالب ترین اتفاق از نظر نماینده اسرائیل در سازمان ملل، خودداری اردن از شرکت در جلسه رأی گیری بود. وی گفت: این تحولی است بسیار چشم گیر. سال پیش اردن در جرگه کشورهای قرار داشت که صلاحیت اسرائیل را برای حضور در سازمان ملل مردود می دانستند. موضع اردن امسال آن کشور را یک قدم به مصر نزدیک تر می کند. مصر، امسال و سال گذشته، هر دو بار در مخالفت با طرح مسئله عدم صاحبیت اسرائیل رأی داده بود.

موضوع عراق، حدس و گمان هایی را درباره امکان ایجاد اتحادی میان سه کشور مصر، اردن و عراق تقویت نموده است. عراق ترجیح داد رأی ممتنع بدهد و از اقدام ایران حمایت نکند. دکتر ریاض القیسی نماینده عراق در سازمان ملل صراحتاً گفت: تصمیم عراق در این زمینه بیشتر به آن خاطر بود که عراق نمی خواست از ایران جانبداری کند و این تصمیم به معنی تأیید اسرائیل از طرف عراق نیست. وی ایران را متهم به آن کرد که سعی دارد به خاطر منافع خود، مسئله فلسطین را دستاویز قرار دهد. وی گفت دیگر بر هیچ کس پوشیده نیست که ایران که خود از اسرائیل اسلحه دریافت می کند، مثل اسرائیل تجاوزکار است.

آقای شهابی نماینده عربستان گفت: ایران بی توجه به توصیه های عربستان عمل کرده است. با وجود این،

است؛ در حالی که ایران برای تهیه سلاح برای نیروهای خود، با مشکلات فراوانی روبرو بوده است.

جالب این که در مطبوعات و خبرگزاری ها و دیگر رسانه های گروهی جهان، این یک سنت بود که در برابر تسلیح هر چند مختصر ایران - که خود به کمبودهای شدید آن معترف بودند - بشدت واکنش نشان بدهند؛ در حالی که تجهیز سرسام آور عراق را به عنوان خبرهای عادی گزارش می کردند؛ به عنوان مثال: مجله اکسپرس چاپ فرانسه، طی گزارش مفصلی، به چگونگی استفاده نظامی ایران از یک نوع هواپیمای کوچک غیر نظامی ساخت سوئیس پرداخت و به طور مستقیم و غیر مستقیم، سرزنش شدیدی را متوجه عاملان این قضیه کرد. این مسئله جزئی که در صورت صحت تمام مطالب مندرج در گزارش یاد شده، در مقایسه با میزان تسلیح جهانی عراق اهمیتی نزدیک به صفر داشت، با حساسیتی عجیب مورد توجه نویسنده گزارش قرار گرفته بود. همزمان، خبرگزاری آلمان گزارش داد: شخصی به نام ناصر حقیقی ۴۶ ساله، را دادگاه آلمان غربی به جرم شرکت در معامله خرید اسلحه و تجهیزات نظامی برای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و وزارت دفاع ایران، به دو سال و نیم حبس محکوم کرد. وی در این معامله نقش واسطه داشته است. یک ایرانی دیگر که تابعیت آلمانی دارد نیز به جرم همکاری به نه ماه حبس محکوم شد.

این در حالی است که چند روز بعد، یونایتد پرس گزارشی مخابره کرد که نشان می داد در همین کشور فرانسه، طبق معمول، سیل سلاح به سوی عراق روان است. نحوه توصیفی که در گزارش، از سلاح های ارسالی به عراق شده است، حساسیت و وضعیتی دقیقاً برعکس مقاله و گزارش قبلی را بازگو می کند. در گزارش مزبور آمده بود: عراق اولین سری جت های جنگنده میراژ اف ۱ اس ساخت فرانسه، مجهز به موشک های آگزوسه را تحویل گرفت. هواپیماهای جدید دارای سرعت زیاد و شعاع برد وسیع هستند. عراق اکنون قادر است برای حمله به ترمینال نفتی جزیره خارک، از هلی کوپترهای مجهز به توپ ساخت فرانسه استفاده کند. هلی کوپترهای سوپرفرولون قادرند ۱۵۰۰ کیلومتر مسافت را بدون سوخت گیری مجدد پرواز

طرح جمهوری اسلامی ایران گفته بود: «اسرائیل از طرح پیشنهادی ایران برای خروج اسرائیل از سازمان ملل نگران نیست؛ اما این چیز ناراحت کننده ای است که به این طرف و آن طرف برویم و از سایر کشورها برای حمایت از خود تقاضای کمک کنیم.»

* * *

یکی از موضوعاتی که نظیر طول جنگ، در دوره مربوط به کتاب حاضر به طور وضوح قابل مشاهده است، تفاوت فاحشی است که در امر تدارک و تجهیز و تسلیح دواوردی نظامی ایران و عراق وجود داشته است. دقیقاً به همان میزان که ایران در تهیه حداقل ملزومات مورد نیاز، دچار فشارها و مشکلات طاقت فرسای ناشی از سیاست قدرت های جهانی بود، برای عراق تسهیلات فوق العاده ای وجود داشت که نه تنها هیچ گاه از این جهت احساس مشکل نکرد، بلکه همانند رودخانه ای که به طور پایان ناپذیر وارد سدی می شود، سیل تجهیزات و تسلیحات از چهار گوشه جهان وارد عراق می شد و دیوهای عراق همواره آماده بود که بیشتر از اقلام منهدم شده در جنگ را در اختیار مکان های آسیب دیده قرار دهد. انستیتو مطالعات استراتژیک لندن، در گزارش سالانه خود اعلام کرد که عراق طی سال های ۸۴ - ۱۹۸۳ به میزان قابل توجهی سلاح دریافت کرده

کنند. جزیره خارک تا نزدیک‌ترین پایگاه عراق حدود ۳۰۰ کیلومتر فاصله دارد. به نوشته روزنامه عراقی الثورة، واحدهای ضد هوایی ایران موفق به هدف قرار دادن سوپر فرلون‌هایی که از فاصله هشت کیلومتری، جزیره خارک را هدف قرار داده بودند، نشدند. در همین زمینه، نشریه مشهور نظامی جینز نوشت: جت‌های میراژ به نیروی هوایی عراق این امکان را می‌دهد که عملاً تمام تأسیسات مهم نفتی ایران را مورد تهاجم قرار دهند و صادرات حیاتی نفت ایران را متوقف سازند. این هواپیماهای ما فوق صوت با برد یک هزار و سیصد کیلومتر، حامل حداکثر بار بمب، بدون سوخت‌گیری می‌توانند به ترمینال نفتی لاوان متعلق به ایران - که تاکنون از دسترسی هواپیماهای عراق دور بود - برسند.

این که آسیب‌پذیری ایران در قبال سلاح‌های یاد شده و مشابه آن واقعاً چه میزان بوده است، فرع بر این موضوع است که چگونه تسلیح عراق برای نابودی اقتصاد ایران، در رسانه‌های مشهور جهان مورد استقبال قرار می‌گیرد. البته کوششی برای کتمان این دوگانگی بر خورد با ایران و عراق نمی‌شود و حتی بر آن تأکید می‌گردد. بعد از پیروزی ایران در عملیات محدود میمک، وقتی شبکه تلویزیونی سی.بی.اس، منطقه آزاد شده میمک را نمایش داد، مجری گفت: آیت‌الله خمینی نفرت دارد، ولی تنها کاری که آنها می‌توانند انجام دهند آماده کردن جنگ‌افزار و رفع نیاز جبهه‌هاست نه تهیه آن؛ علت این امر (عدم امکان تهیه سلاح و تجهیزات لازم) وجود توافق بین شوروی و آمریکا بر سر این است که ایران هیچ‌گاه نباید پیروز شود. سی.بی.اس سپس یک هلی‌کوپتر ساخت آمریکا را نشان داد و دوربین را بر روی پرچم جمهوری اسلامی که روی دم آن نقش شده بود، متمرکز کرد و در این حال خبرنگار گفت: این هلی‌کوپتر کهنه که از شاه به ارث برده شده است، شدیداً نیازمند به لوازم یدکی می‌باشد. سپس یک سرباز جمهوری اسلامی هنگام اقامه نماز در کنار هلی‌کوپتر مزبور نشان داده شد و خبرنگار سی.بی.اس روی این تصویر گفت: در ایران ایمان وجود دارد و نشانه‌ای از استیصال به چشم نمی‌خورد.

در زمینه تسلیحات عراق، نیویورک تایمز نوشت: مهم‌ترین اسرار عراق این است که هزینه این جنگ چه میزان است و چه کسی از چه بابت آن را می‌پردازد. نویسنده سپس خود پاسخ می‌دهد - به احتمال بسیار زیاد عربستان سعودی ۶۰ درصد و کویت ۳۰ درصد آن را تأمین می‌کند. نویسنده به طنز می‌افزاید: پادشاهی عربستان سعودی صورت‌حساب سلاح‌های ساخت کشورهای کمونیست را جمع می‌زند و فرانسه موشک‌هایی را تحویل می‌دهد که عراق آنها را علیه تانکرهای نفتی کشورهای صنعتی به کار می‌گیرد. نویسنده مقاله سپس علت این حمایت‌ها را چنین نقل می‌کند: مهم‌ترین رشته مشترکی که این اتحاد بر محور آن استوار شد، خصوصیت نسبت به رژیم بنیادگرای اسلامی آیت‌الله خمینی در ایران است.

اعتراف به دشمنی علیه ایران و تسلیح عراق، امری رایج در رسانه‌های جهان است؛ ولی وقتی با اعترافات به جنایات عراق همراه می‌شود بیشتر جالب توجه است. در یک مقاله از دیلی تلگراف به مناسبت هفته جنگ نوشته شده است: «نفرت و انزجاری که عراق به واسطه شروع جنگ و به کارگیری سلاح شیمیایی، در میان جهانیان به وجود آورده است، به هیچ وجه به کاهش جدی حمایت کشورهای تأمین‌کننده سلاح و طرفدار این کشور منجر نشده است.»

هاشمی رفسنجانی:

حامیان عراق، صلح نمی خواهند، آتش بس می خواهند
و این که تضاد خونین بین ما و عراق باقی باشد؛
صدام، مرتجعین و امپریالیست ها صلح واقعی را نمی خواهند،
فقط ما صلح واقعی را می خواهیم
با وجود حزب بعث که عامل این جنایات است و مسئول این همه
تخریب و خونریزی است،
صلح واقعی وجود نخواهد داشت؛
راه صلح واقعی از طریق آزادی کامل عراقی هاست

امام خمینی نقطه اتکا و تضمین "روحیه"

بحث "روحیه" یکی از مهمترین مباحث اصول جنگ است. وجود و فقدان و نیز میزان روحیه تداوم مقاومت و انگیزه ادامه جنگ حتی تعیین کننده نقش ابزار و تجهیزات و ترمیم کننده تاکتیک ها و استراتژی های نظامی موفق است. در طول دوره کتاب حاضر، نظیر دیگر دوره های جنگ، اردوی ایران، در سایه اسلام، از نعمت و قدرت "روحیه" برخوردار بود. علی رغم آنچه در مورد غربت و تنهایی ایران در جنگ ذکر شد، این نیروهای عراقی بودند که غالباً منفعلانه و نومیدانه، راهی برای خلاصی از جبهه های جنگ می جستند. در متن کتاب اسنادی آمده است حاکی از خودزنی عراقی ها و نیز خودآزاری های مبتکرانه ای که بلایی بر سرشان بیاورد و راهی پشت جبهه شوند؛ از جمله تزریق نفت سفید به خود که واکنش های شدید شیمیایی در بدن ایجاد می کند و در عوراهی برای فرار از جبهه می گشاید. اما اقداماتی از جمله انضباط شدید بعثی در ارتش عراق و سیاست ها و تدابیر مؤثر (و البته غالباً جنایتکارانه) در امر تنبیه و تشویق و نیز بررسی مداوم وضعیت روانی و جسمانی ارتش عراق، و از سوی دیگر، پشتیبانی و حمایت مادی شدید از رزمندگان عراقی و خانواده آنان، باعث تداوم روحیه و وضعیت جنگی در ارتش عراق شده بود. برعکس، در اردوی ایران اثری از نومیدی و فرار از جبهه به چشم نمی خورد؛ بلکه اساساً جنگ متکی

به نیروهای داوطلب بود که با انگیزه قوی دینی و انقلابی در جبهه ها حاضر می شدند. در این جانفش امام خمینی و نفوذ معنوی او و متقابلاً ارادت قلبی و خالصانه رزمندگان به وی، یک نقش محوری و تعیین کننده است. این نمونه ای از اعترافات رایجی است که در مطبوعات غرب به صورت های مختلف منعکس می گردید: «یکی از بزرگ ترین تناقضات در ایران فعلی این است که خمینی هشتاد و دو ساله، کاملاً می تواند با ایرانیانی که یک چهارم وی سن دارند از نظر فکری ارتباط برقرار کند. این امر بخصوص در مورد جوانان و طبقه کارگر واقعیت پیدا می کند.»

بد نیست گفته شود که اساساً یکی از بحث های مهم مطبوعات و رسانه های جهان، ترسیم وضعیت جنگ پس از امام خمینی بود. آنها می نوشتند: «خاطره باشکوه آیت الله، احتمالاً حدود شش ماه پس از فوت او ثبات اوضاع را حفظ خواهد کرد؛ ولی پس از آن، تاخت و تاز برای قدرت به حدی شدت خواهد گرفت که بتدریج شیرازه امور را از هم خواهد گسست.»

متقابلاً امام آمادگی مقابله با توطئه های همه جانبه قدرت های بزرگ را یادآور می شد و البته به دور از احساسات زدگی و تندروی، راه حل نشان می داد و ضرورت استفاده از فرصت ها را به دولتمردان یادآوری می کرد؛ فی المثل در باب رابطه با دولت ها (که غالباً در آن زمان دشمن ایران بودند) و حتی درباره امریکا که خود

ندارند و تماماً در متن کتاب، به تفصیل و بطور مستند ارائه خواهند شد، مجموعه‌ای غنی و مفید از مسائل جنگ را در جنبه‌های مختلف سیاسی، نظامی، داخلی و خارجی به دست می‌دهد. گستره مطالب و دقت و اعتبار آن به نحوی است که هیچ محقق‌نی می‌تواند از آن بی‌نیاز باشد. مطالبی که تفصیل، آن را غیر مفید و کسالت‌آور نکرده است.

تجدید رابطه امریکا و عراق^۱ جلد سی و سوم از مجموعه عظیم روزشمار جنگ تنها حدود دو ماه از جنگ را بازگو و تنظیم می‌کند؛ بنابراین بهره‌نهایی و کامل را محققان وقتی خواهند برد که موضوعات کتاب را در دیگر مجلدات روزشمار جنگ نیز دنبال و بررسی کنند. اما کتاب حاضر به نحوی تنظیم شده که مستقلاً و به تنهایی نیز بسیار مفید و به خوبی قابل استفاده است.

امام پیشتاز مبارزه با آن بود، چنین ارائه طریق می‌کرد: «ما باید به شیطنت‌هایی که از طرف ابرقدرت‌ها و وابستگان آنها انجام می‌شود توجه کنیم و تحت تأثیر واقع نشویم و ملت ما بیدار باشد. چون برای کشوری که از اول بنایش بر این بوده است که مستقل باشد و تحت سلطه دیگران نباشد و مستشار از خارج نیارود و خودش حکومت کند، این مسائل بوده است... الان از قراری که من شنیدم شیطنت دیگری می‌کنند و آن این که ما چرا با دولت‌ها رابطه داشته باشیم؟ ما می‌رویم به سراغ ملت‌ها و با دولت‌ها هیچ کاری نداریم که این هم نقشه‌ای است که اخیراً تعقیب می‌شود...»

ما باید همان گونه که در زمان صدر اسلام، پیامبر سفیر به این طرف و آن طرف می‌فرستاد که روابط درست کند، عمل کنیم و نمی‌توانیم بنشینیم و بگوییم که با دولت‌ها چه کار داریم. این بر خلاف عقل و برخلاف شرع است و ما باید با همه رابطه داشته باشیم. منتها چند تا استثنا می‌شود که الان هم با آنها رابطه نداریم. اما این - معنایش - که با هیچ دولتی نباید رابطه داشته باشیم، هیچ عقل و هیچ انسانی آن را نمی‌پذیرد؛ چون معنایش شکست خوردن و فنا و مدفون شدن است تا آخر. و ما باید با ملت‌ها و دولت‌ها رابطه پیدا کنیم. آنها را که می‌توانیم، ارشاد کنیم؛ با همین روابط ارشاد کنیم؛ و از آنهایی که نمی‌توانیم ارشاد کنیم سیلی نخوریم...

البته ما طرفدار همهٔ مظلومین در همه جا هستیم و میل داریم که مظلومین بر همه ستمگران غلبه کنند و آقایان توجه کنند که روابط زمان سابق نباشد؛ که در زمان سابق روابط یک طرفه بود، آقای و نوکری؛ چه در زمان قاجار و چه زمان رضاخان و تا آخر... ولی ایران، امروز این طور نیست... و تا آخر ایستاده‌ایم و با امریکا روابط ایجاد نخواهیم کرد؛ مگر این که آدم بشود و از ظلم کردن دست بردارد و از آن طرف دنیا نیاید در لبنان و نخواهد دستش را به طرف خلیج فارس دراز کند. مادامی که امریکا این طور است و افریقای جنوبی آن طور عمل می‌کند و اسرائیل هست، ما با آنها نمی‌توانیم زندگی بکنیم. اسرائیل آدم شدنی نیست.»

موضوعات مهمی که مختصراً مورد اشاره قرار گرفت و دیگر موضوعاتی که اهمیت چندان کم‌تری